



ویژه نامه

نگاهی به زندگی و آثار

دکتر سید طاهر صباحی

نویسنده، محقق و فرش شناس بین المللی

ادغام وزارت بازرگانی و صنایع و معادن
جایگاه فرش دستباف کجاست؟

ششمین جشنواره فرش و دستبافته های روستایی و عشایری ایران

مقالات و مطالب تخصصی

ویژه نامه
دکتر سید طاهر صباحی
نویسنده، محقق و کلکسیونر فرش دستباف



روی جلد: دکتر سید طاهر صباحی، فرش شناس، نویسنده و محقق

در این شماره می خوانید:

- سخن سردبیر
- صباحی: مصداق عشق به ایران و ایرانی / علیرضا قادری
- گنجینه های ایرانی / دکتر سید جلال الدین بصام
- از گنجینه های بافته های خود نا آگاهیم / روزنامه شرق
- داستان فرش داستان آدمها است / پژمان موسوی
- دکتر صباحی در برنامه تلویزیون ماهواره ای باغ ایرانی ویدئوی معرفی «فصلنامه گره»
- چالش تازه ای به نام ادغام؛
- سونامی در فضای کسب و کار و تجارت فرش دستباف
- برخی مبانی و اصول اولیه در بازبافی و احیای فرش مناطق
- سخنرانی استاد تورج ژوله در همایش فرش بروجرد

علاقمندان به همکاری با این هفته نامه می توانند با ارسال مطالب، تصاویر، گزارشات و تحلیل های خود از طریق آدرس ایمیل تحریریه ما را در پیشبرد هر چه بهتر اهداف نشریه یاری رسانند. لطفا مطالب خود را بصورت فایل تایپ شده در نرم افزار Word به همراه ذکر لیست تمامی منابع ارسال فرمائید. ذکر آدرس صفحات وب برای مطالبی که منابع اینترنتی دارند و ذکر صفحه و سطر منابع مکتوب علاوه بر مطالبی که بصورت متعارف در این زمینه رایج می گردد ضروری است. هفته نامه باغ ایرانی حق ویرایش مطالب ارسالی را برای خود محفوظ می دارد. مطالب ارسالی عودت داده نخواهند شد. استفاده از مطالب اختصاصی هفته نامه اعم از مطالب و تصاویر بدون دریافت اجازه کتبی ممنوع و مشمول پیگرد قانونی است

باسم خداوند

باسم خداوند

هفته نامه علمی، فرهنگی، هنری،
اقتصادی و تخصصی
معرفی فرش و دستبافته ها،
صنایع دستی و هنرهای سنتی
فارسی و انگلیسی

نحوه انتشار: نشر الکترونیکی / در قالب فایل
PDF / در ۴۶ صفحه / A۴ / تمام رنگی

تیراژ و شمارگان اصلی: ۱۴۰۰۰ نسخه اشتراک
(اعضاء سایت اطلاع رسانی فرش ایران) و
امکان دانلود برای تمامی علاقمندان

مدیر مسئول و سردبیر: علیرضا قادری
ghaderi@carpetour.net ۰۹۱۲۳۰۵۰۰۳

اعضاء هیئت تحریریه (به ترتیب اولویت سنی):
دکتر سید طاهر صباحی
استاد سید رضی میری
علیرضا قادری
استاد سید عبدالمجید شریف زاده
استاد تورج ژوله
دکتر سید علی مجابی

ایمیل تحریریه:
editorial@carpetour.net

تماس با هفته نامه:
۰۹۱۲۳۰۵۰۰۳ (علیرضا قادری)
persiangarden@carpetour.net

مدیر اجرایی و امور بازرگانی: حنیف قادری
hanif@carpetour.net ۰۹۱۲۱۸۳۲۸۷۵

مدیر داخلی: فائزه قادری
faeze@carpetour.net ۰۹۱۲۳۰۹۷۱۲۵



اولین شماره هفته نامه باغ ایرانی به معرفی تلاش های علمی و فعالیت های تحقیقاتی استاد دانشمند دکتر طاهر صباچی بصورت ویژه نامه ای اختصاص یافته است.

انتخاب دکتر صباچی بدلیل کوشش مستمر و خستگی ناپذیری است که وی طی قریب نیم قرن در راه شناخت و معرفی فرش و دستبافته ها بخرج داده و بی هیچ حمایتی دانش فرش شناسی ایرانی را در جهان با هنر فاخر قالیبافی مترادف و همراه نموده است.

به احترام تلاش خستگی ناپذیر و موثر این مرد سختکوش و وطن پرست بخش قابل ملاحظه ای را به معرفی وی اختصاص داده ایم به این نیت که آشنایی با مردان تاثیرگذار در عرصه دانش فرش الگوی دانشجویان و هنرمندان قرار گرفته و خلاقیت در تولید قالی های فاخر را با علم و روزآمدی علمی همراه کنیم.

سایت اطلاع رسانی فرش ایران به عنوان ناشر این هفته نامه خرسند است که طی سالیان فعالیت خود همواره از رهنمودها و مشورت های

ایشان بهره مند بوده و توفیق خود را مرهون کمک های صباچی و سایر اساتید ارزشمند و بلند مرتبت فرش ایران است.

برای دکتر سید طاهر صباچی آرزوی سلامت و طول عمر داریم.

هفته نامه باغ ایرانی در هر شماره به معرفی یکی از اساتید و افراد شاخص و موثر فرش دستباف و صنایع دستی خواهد پرداخت.

با اتکال به عنایات و الطاف پروردگار متعال، آن زیبای دوستدار زیبایی ها، و با آرزوی توفیق خدمتی هر چند کوچک و محدود به فرهنگ و هنر سرزمین افتخار آفرین ایران، هفته نامه باغ ایرانی از اول خرداد ماه ۱۳۹۰ پا به عرصه وجود نهاد. تصمیم به انتشار این هفته نامه، در پی نیازی بود که فرش و دستبافته های ایران و هنرهای صناعی و صنایع دستی برای معرفی گسترده خود به جهانیان آن را به عنوان ضرورتی فرهنگی با هزار زبان و در بسیاری مواقع به زبان بی زبانی فریاد می کردند. گرچه همواره این فریاد با خواسته های به حق دستاوردکاران همراه بود ولی متأسفانه چندان ناشنیده ماند و مانده است که اکنون بسیاری از حرف و رشته های مرتبط یا منسوخ گردیده و یا در حال اضمحلال بسر می برند. در این میانه فرش دستباف تا حدودی توانسته است پیکر رنجور و نحیف خود را تنها به اتکای عشق و علاقه تعداد اندک تولیدکنندگان، طراحان، کارگردانان هنری، بافندگان و تجار و صادرکنندگان که دغدغه فرهنگ و هنر در وجود ارزشمندشان بر ناراستی ها و ناهمواری ها و مزاحمت های متعدد و متنوع فایق آمده است، از اضمحلال و نیستی بدور بدارد و هنوز بتواند نان سفره های ساده و بی ریای خانواده بزرگ فرش دستباف ایران، خصوصاً بافندگان را فراهم آورد.

شرایط موجود و دورنمای فضای داخلی و خارجی، متأسفانه حکایت از آینده تاریک تری برای این هنر و سایر رشته ها از جمله صنایع دستی دارد. فضای تصمیم سازی و تصمیم گیری، به عنوان مهمترین عنصر راهبردی، چندان از وعده های ناممکن، غیر محتمل و نیز شعارهای سطحی و رفتارهای معوج و ناهنجار مدیریتی پر شده که نه متولی فعلی، بلکه هیچ سازمان و دستگاه دیگری نیز بر اساس چنین نگاه و رویکردی، هرگز نخواهد توانست قدمی واقعی در مسیر عافیت و خیر و برکت بردارد.

بحث، جلسه، کارگروه، کمیسیون، کمیته های تخصصی و... بحمدالله بیشمار برپا و برقرار است. تئوری های از پیش شکست خورده، سوخته، تاریخ گذشته و غیر واقعی، بطور دائم بصورت دستورالعمل ها و بخش نامه ها در و دیوار و زمین و زمان را پوشانده اند و راهکارهای برون رفت از چالش ها و مشکلات یکی پس از دیگری بی عنایتی به سرنوشت تصمیمات قبلی، در قالب همایش ها و نمایش ها درآمدهای ناچیز این بخش را «هل من مزید» (آیا بیش از این نیست) گویان می بلند تا بی ثمری تصمیمات یک شبه را بصورت تجربه ای مکرر و غالباً مضحک در مقابل چشمان مان به نمایشی تلخ بکشد. همه بدنبال راه اند. راهی برای خروج از این چرخه پر استهلاک و تصادفاً همین همه با حرکت ها و تصمیمات غیر متمرکز و پراکنده، کلاف مشکلات را سر در گم تر و تنیده تر می کنند.

سنت تکروی و نگاه مبتنی به خود در میان افراد و مجموعه های کوچک و بزرگ متداول و متعارف و مشکلی جدی شده است. مشکل عدم تحمل نظرات و افکار و ایده های دیگران! و شوربختانه تر عدم تحمل و باور وجود و حضور دیگران!! هفته نامه باغ ایرانی مصمم است تا با ایجاد فضایی آرام و مبتنی بر میانی هنری و علمی، افراد و مجموعه های هوشمند (و نه فقط دلسوز) را برای طرح و مواجهه معقول با چالش های موجود گردهم آورد. با تکیه بر همراهی و همکاری نیروی عظیم کارشناسی حاضر در این بخش، راه های مستقیم و برنامه های گره گشا و عملی را با بحث و بررسی بدست آورده و با تشویق همگان به تمرکز بر مشکلات و راه حل های موجود و ممکن، به سهم خود، خوراک تصمیم گیری های معقول و غیر شتابزده را برای تصمیم گیرندگان و به نفع فرهنگ و هنر و سرنوشت دستاوردکاران این حوزه فراهم سازد.

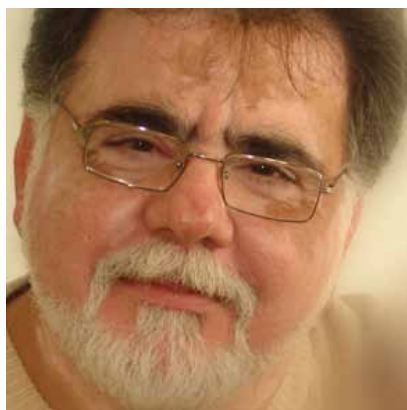
با این هدف، در حال حاضر هیئت تحریریه ای از میان افراد نام آشنا و اهل عقل و عمل گردهم آمده اند تا محور اصلی این حرکت را با همه سختی های ممکن و متصور تشکیل دهند. چشم امیدمان بعد از خدای متعال به همراهی یکایک شما عزیزان و علاقمندان به فرهنگ و هنر است. مطمئن هستیم ما را در سرنوشت مشترکمان تنها نخواهید گذارد.

والسلام . علیرضا قادری



دکتر طاهر صباحی؛ مصداق عشق به ایران و ایرانی

علیرضا قادری



معلم به شوق آمدم، و فرصت آشنایی بیشتر را در طی ایام برگزاری نمایشگاه از دست ندادم.

سالهای زیادی از آن روزها می گذرد، و در ماه ها و سالهای بعد و در دیدارها و همنشینی هایی که با او داشتم بیش از پیش به علت این دوری گزیدن ها پی بردم، دیدم که تلخی کلام صباحی و این فاصله ای را که او تلاش دارد تا با آدم های روزگارش حفظ کند تا چه اندازه برای او ناگوار و ناخوشایند است.

طاهر صباحی اتفاقا شوخ طبع و بسیار مهربان است. هر ساله دو سه باری را برای دیدن کشوری که به آن عشق می ورزد هزینه و رنج سفر را تحمل می کند. می آید تا این مردم و این دود و ترافیک و ... را ببیند. می گوید اینها واقعیت هایی است که مردم من با آن سر و کار دارند و با آن زندگی می کنند. خوب یا بد دلم می خواهد همه سختی ها و مشکلات آنها را در کنارشان تجربه کنم. علاقه او به مردم و کشورش انسان را تحت تاثیر قرار میدهد.

فرش و دستبافته ها همه زندگی او را تشکیل می دهد. عشق به هموطنانش رابطه ای مستقیم با این دستبافته ها دارد و زندگی او با فرش خواسته و ناخواسته او را با مردمش پیوندی عمیق داده تا آنجا که تفکیک میان مردم و فرش را در نگاه و تفکرش غیر ممکن می یابی. صباحی سراپا عشق است و تلاش. تالیف ۲۰ جلد کتاب ارزشمند در زمینه قالی و سایر دستبافته ها که در کمال حساسیت

مطلب زیر مقاله ای است کوتاه از علیرضا قادری که در روزنامه شرق روز شنبه ۲۴ مرداد ۸۹ منتشر گردیده است

سالها پیش وقتی در جریان برگزاری یکی از اولین نمایشگاه های فرش تهران و برای نخستین بار با او روبرو شدم مردی میانسال بود. با قامتی بلند و ظاهری آراسته. در مواجهه با هر موضوع و اتفاقی نگاه نقادانه و سخت گیر داشت. این سخت گیری را حتی در برقراری ارتباط با آدم های حاضر در نمایشگاه از دست نمیداد. تنها دانشجویهای فرش بودند که علیرغم احتیاطش در حفظ فاصله، به نوعی نسبت به آنان نرم خو تر می نمود.

تورج ژوله اما در این میان استثنا بود. گل از گل دکتر با دیدن تورج شکفت و من هم در پناه همراهی او توانستم به این مرد سخت گیر و دیر آشنا نزدیک شوم. جواب سلام و عرض ارادت چرب و نرم مرا با عبارت کوتاه «سلام» پاسخ داد و بی اعتناء شروع به خوش و بش کردن با ژوله کرد. قبلا درباره صباحی از ژوله شنیده بودم و خیلی دوست داشتم با نویسنده کتابهای ارزشمند فرش و ناشر مجله گره که کمیاب بود و گران و در عین حال وزین و پر محتوا، آشنا شوم.

وقتی متوجه همکاری نزدیک من و ژوله شد رفتار صمیمانه تری را با من برقرار کرد. مثل بچه دبستانی ها از توجه



با صباحی / تابستان ۱۳۸۹ - ورامین . کارگاه قالیبافی عرب حلوائی

اینکه دکتر سید طاهر صباحی کی و کجا دنیا آمده، چند کتاب نوشته و درباره چه موضوعاتی نوشته است. چیزهایی است که یقیناً دیگران به آن کم نپرداخته اند و باز هم خواهند پرداخت. اما اینکه او از چه منظری به دنیای پیرامون خود می نگرد و چه قلب عاشق و رئوفی دارد از نگاه من اهمیتی بیشتر دارد. اینکه او چرا در مواجهه با سختی ها، جفاهایی که در کشوری که دوستش دارد به او شده و می شود، اینکه در عین حالی که دانشگاه ها و کتابخانه های ما تشنه در آغوش گرفتن محصول ذوق و تحقیق و تلاش وی هستند و کج فهمی های متولیان امر آنان را بی نصیب گذاشته است و کتابهایی که به همه زبانی و در همه کشوری بجز زبان فارسی و کشورش ایران بچاپ رسیده است، می خندد و سر تکان می دهد چندان جای تعجب ندارد.

خودش همواره زمزمه می کند:
خنده تلخ من از گریه غم انگیزتر است
کارم از گریه گذشته است از آن می خندم!

در تحقیق و بررسی و در قالبی همگی نفیس و فاخر نوشته و منتشر کرده است، و فصلنامه ای پر و پیمان که چهل و هشتمین شماره آن را اخیراً منتشر کرده است، همگی حکایت از عشق او به هنر قالیبافی ایران و مردمی که زاینده و پرورنده این هنر بوده و هستند داشته و دارد. وقتی از سفرهای خود می گوید آنجا که شروع به تصویر فضای زندگی بافنده های محروم می رسد بی اختیار بغض می کند و بی ریا می گرید. بی اغراق من کمتر انسان با صلابت و در عین حال نازک دلی چون صباحی دیده ام. او همواره در تلاش است که پیاموزد آنچه را آموخته و برای یادگیری باید طالب و عاشق باشی او سخت می گیرد و کناره می جوید از کسانی که به فرش و رنگ و نقش سرسری و کاسبکارانه می نگرند و دلیل این رفتارشان نیز کاملاً مشخص است، گوش نا محرم نباشد جای پیغام سروش. حرف های او را کسانی فهم می کنند که باندازه او عاشق باشند. این همه تلاش در قریب ۴۸ سال و این همه انرژی که او را در این سنین همچنان جوان و پر نشاط نگاه داشته است جز به نیروی عشق ممکن نیست.



گنجینه های ایرانی



سیدجلال الدین بسام
متولد ۱۳۳۹ - کرمانشاه
دکتری نساجی از استرالیا
رتبه علمی: استادیار

از آن سال تا امروز که بنده در صورت های مختلف در زمینه فرش دستباف فعالیت می کنم به طور مرتب با وی در تماس هستم. شاید بهتر بگویم ایشان مرا مورد لطف قرار می دهند. در آخرین ملاقات مفصلی که با ایشان داشتم ماموریتی بود که به عنوان مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران به ایتالیا رفته بودم و با تماسی که از شهر میلان با او گرفتم از من دعوت کرد که به تورینو بروم و از نزدیک مذاکراتی در خصوص اهدای مجلات گره به مراکز دانشگاهی و علمی ایران از طریق شرکت فرش داشته باشیم.

به اتفاق یکی از همکاران، نمایشگاه میلان را به قصد شهر تورینو ترک کردیم. در ایستگاه قطار، دکتر شخصا به دنبال ما آمده بود و به گرمی از ما استقبال کرد. پذیرایی گرم ایشان و اقامت شبانه در منزلش و ملاقات با آتش، نوه دکتر، و بدرقه صمیمانه او همگی مزید بر لذتی بود که از بازدید موزه، دفتر مجله و محل کار او بردیم.

فروشگاه فرش دکتر صباحی در تورینو بیش از آن که یک فروشگاه باشد، یک گالری و یک موزه است. بخشی به فرش های معاصر و مدرن اختصاص دارد، با این تفاوت که فرش های مدرن این فروشگاه همان فرش های اصیل ایرانی است که از ذهن ها پاک شده اند. بخش دیگری از آن که در ساختمان مجاور قرار دارد دفتر اصلی است. در این ساختمان که چند طبقه است انگار که می خواهی چند روز بمانی و فقط از آنجا لذت ببری.

دکتر ما را به همراه خود ابتدا به زیرزمین برد و مجموعه ای از فرش های بلوچ و کردی را به ما نشان داد. در کنار فرش های ایرانی، فرش های قدیمی سایر نقاط دنیا را می توانستیم ببینیم و از این همه زیبایی هنر دست مردم دنیا

اولین باری که با آقای دکتر صباحی ملاقات کردم در نمایشگاه فرش تهران در سال ۱۳۷۸ بود.

در آن سال برای اولین بار بود که مرکز تحقیقات فرش دستباف جهاد سازندگی غرفه ای در نمایشگاه گرفته بود و به معرفی و عرضه کارهایش پرداخته بود. قبلا خیلی شنیده بودم که فردی به اسم دکتر صباحی، که اصلا پزشک است، در ایتالیا است و علاوه بر کار تجارت فرش به کار تحقیق و علم فرش می-پردازد. بسیار علاقمند بودم که وی را ببینم. وقتی که فرصت ملاقات دست داد از فرط اشتیاق با او معانقه کردم. شاید برای او تعجب آور بود که کسی که او را قبلا ندیده این چنین گرم با او برخورد می کند.

در آن نمایشگاه از وی درخواست کردم که به غرفه مرکز تحقیقات فرش آمده و قدری راجع به فرش و خودش برایمان تعریف کند. خوشبختانه این تقاضا مورد اجابت قرار گرفت و مباحث جالبی از فرش ایران و جهان برای ما مطرح نمود. کلیدی ترین کاری که ایشان به دنبال آن بود یافتن مرکز و یا یار و یآوری برای انتشار و ترجمه و توزیع نشریه گره در ایران بود. نشریه گره در کنار نشریه هالی از معتبرترین مجلاتی بود که به نشر مرتب دانش فرش مشغول بودند. هرچند که اکنون مجله هالی از اختصاص فرش خارج شده و مطالب دیگری نیز چاپ می کند ولی مجله گره هنوز فقط به طور اختصاصی در زمینه فرش فعالیت می کند. خاطرم هست که یکی از دوستان در آن زمان بلافاصله برای این مهم اعلام آمادگی کرد و دکتر را با خود برد تا بقیه مباحث را جدی تر دنبال کنند، ولی هیچوقت این اتفاق آنگونه که دکتر مدنظرش بود نیفتاد. انشاءالله روزی بشود.



یکی توضیح می داد. این صندوق ها حاوی گنجینه هایی بود که دکتر آنها را به زحمت و در طول سالیان جمع آوری کرده بود و می-خواست راجع به آنها کتاب بنویسد. چون هنوز کتابش را ننوشته نمی توانم بگویم که این فرش ها چه بودند. فقط همین قدر بگویم که مجموعه های تخصصی بودند که اطلاعات مکتوب در مورد آنها وجود ندارد. این افتخاری برای من بود که قبل از اینکه کتاب نوشته شود، در جریان تولید این قسمت از علم قرار می گرفتم. دکتر صباچی با علاقه و اشتیاق این فرش ها را نشان می داد و به تک تک سوالات ما پاسخ می داد. در این اتاق تا آنجا که ذهنم یاری می کند سه مجموعه تخصصی فرش جمع شده بود و باید منتظر چاپ حداقل سه کتاب از ایشان باشیم.

همکار من که از طراحان خبره شرکت فرش است، پس از اتمام بازدید محل کار آقای دکتر صباچی اقرار کرد که تا به حال این چیزها را نه شنیده بود و نه خوانده بود و نه دیده بود و به نظر وی باید این مطالب را به هر قیمتی که شده به داخل ایران منتقل کرد و در دانشگاهها تدریس کرد تا عمق دانش دانشگاهی های ما افزوده شود. بنده هم به طور قاطع با این نظر موافقم و فکر می کنم که دانش دکتر صباچی در بیش از بیست کتابی که تا به حال منتشر کرده و نزدیک به پنجاه مجله گره که تا به حال بیرون آمده است خلاصه نمی شود. بارها ایشان به ایران آمده و تقاضای کمک برای نشر علم فرش در ایران کرده ولی هنوز متاسفانه نتوانسته ایم بهره کافی را از ایشان ببریم.

امید است که روزی قدر ایشان را بیشتر دانسته و بتوانیم از دریای علم ایشان در داخل کشور بهره ببریم.

سرشار از احساس شویم و بخصوص اینکه در مقایسه می دیدیم که ایرانیان یک سر و گردن بالاتر هستند بر خود می بالیدیم که ایرانی هستیم.

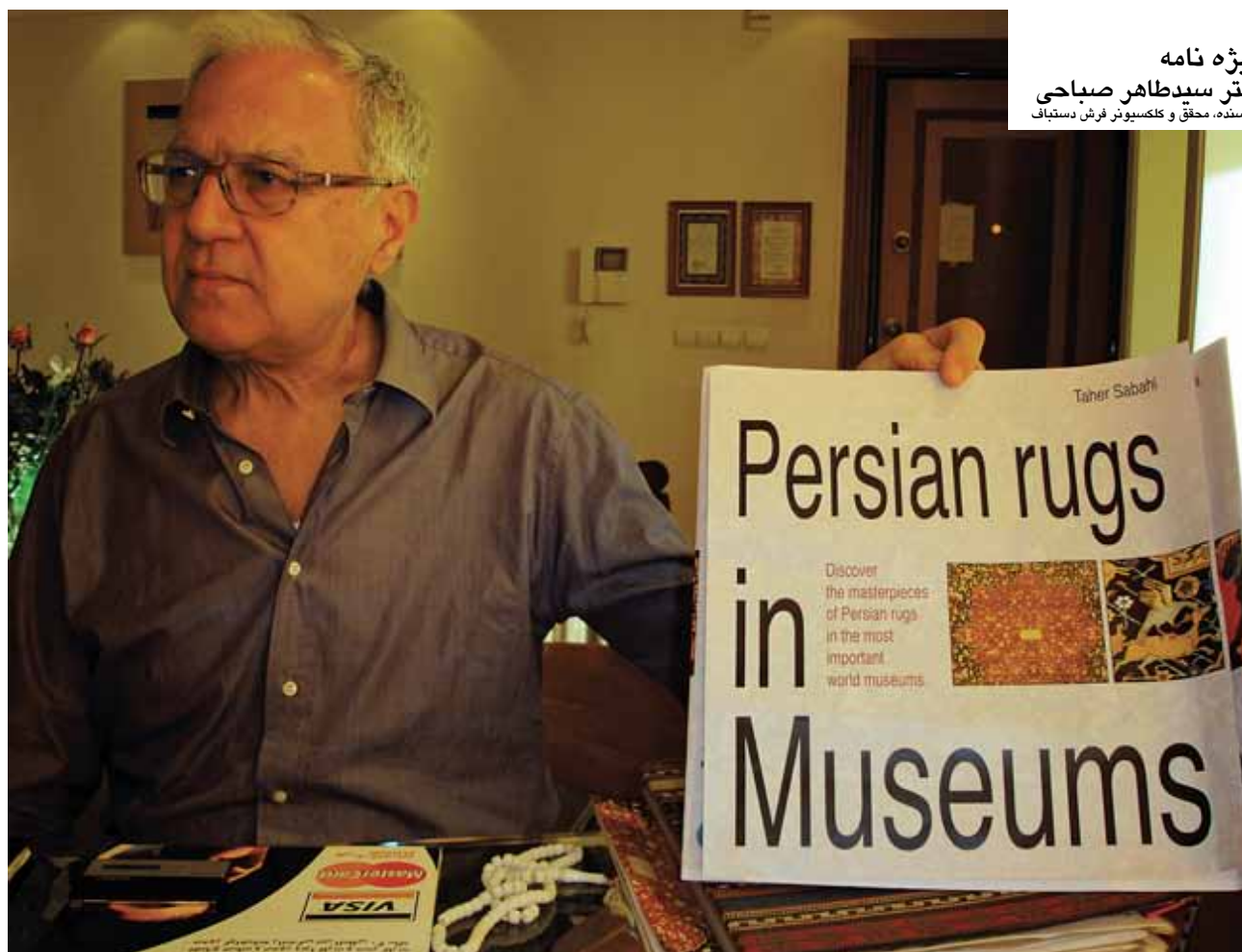
در یکی از طبقات این ساختمان دفتر مجله گره قرار دارد که تیم تحریریه در آن مشغول کار بودند. به نظر گروه صمیمی می آمدند که در کنار یکدیگر به سرعت و شدت مشغول فعالیت بودند تا آخرین شماره گره را قبل از آغاز نمایشگاه دموتکس آماده کنند. دیدن این خودجوشی و علاقه به کار مرا به کاویدن رمز کار واداشت و فکر می کنم رمز آن چیزی جز شخصیت دکتر نیست.

یک طبقه ساختمان به موزه اختصاص دارد. در این موزه انواع فرش های عتیق و ارزشمند که حاصل جستجوی طولانی ایشان در کشورهای مختلف می باشد به نمایش گذاشته شده است. فرش های ایرانی، قفقاز، ترکمن، ترک، افغان و ... همگی در کنار یکدیگر یک سالن نسبتا بزرگ را تزیین می کنند. هرکدام از آنها با داشتن مشخصات و شناسنامه به صورت کامل و زیبایی می توانند معرف هنر فرشبافی یک ملت باشند. از دکتر پرسیدم که چقدر هزینه این کار شده و چه نقشی در فروشگاه تو دارد و در حقیقت چه استفاده ای از آن می بری؟ در پاسخ گفت که مردم ممکن است استفاده های خوبی ببرند و چیزهای زیادی از آن یاد بگیرند ولی استفاده من فقط عشقی است که به آن دارم.

اوج بازدید ما به اتاق کوچکی در کنج این ساختمان بر می گشت. در این اتاق، صندوق هایی قرار داشت. تقریبا به اندازه نصف روز در این اتاق کوچک سپری شد. دکتر شخصا درب صندوق ها را یک به یک باز می کرد و فرش ها و فرش پاره هایی که در آن بود را در می آورد و یکی



ویژه نامه
دکتر سیدطاهر صباحی
نویسنده، محقق و کلکسیونر فرش دستباف



گفت‌وگو با دکتر طاهر صباحی، کارشناس فرش

از گنجینه‌های بافته خودنا آگاهیم!

مسعود لقمان و فرناز پولسی

این فرش که زیر پایت انداخته ام
با تار دل و پود تنم بافته ام
با هر گره اش عشق تو محکم تر شد
در هر رج آن نقش تو پرداخته ام

پدر نپذیرد، می گفت پدر دلبسته آنهاست و به هیچ بهایی نمی دهدشان. پدر آمد و وقتی تبریزی ها را دید، دستی برشان کشید. گفت: «قشنگ است.» رندی کردم و گفتم: «برای شما خریده ام، چون آن دو پستی دیگر کهنه شده اند.» پدر پذیرفت، شاید هم ته دلش می دانست.

صبحی از زندگی اش در ایتالیا می گوید: «در رشته پزشکی و داروسازی مشغول به تحصیل شدم. درسم که تمام شد، مدتی برای تدریس به ایران آمدم، اما انگار برای یاد دادن آن دروس ساخته نشده بودم. زندگی ام را در قالی می دیدم. همین شد که پی آن رفتم. چندی بعد در سال ۱۹۷۶ میلادی وارد (کنفرانس بین المللی هنرهای شرقی) شدم و به عضویت دائم آن در آمدم. این کنفرانس که مقر آن لندن است، به مسئولیت ۳۵ متخصص فرش اداره می شود که من هم یکی از آنان هستم.»



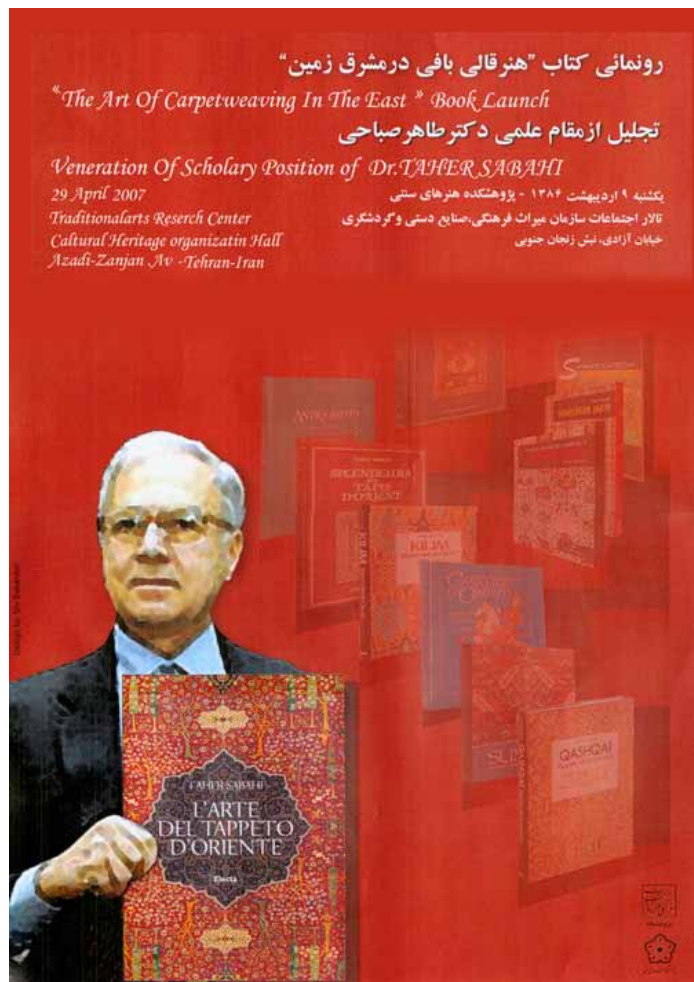
تصویری از صفحه اصلی وب سایت دکتر صباحی

به پیشینه کاری اش می رسد، نخستین کتابش، با شمارگان ۲۶ هزار نسخه به زبان ایتالیایی و ۱۴ هزار نسخه به زبان فرانسه، در سال ۱۹۸۶ چاپ شد. می گوید از آن پس بود که زندگی اش را وقف جستجو، پژوهش و نوشتن کرد می افزاید: «سفرهای بسیاری رفتم، با قشقایی ها، شاهسون ها، کردها و همچون آنها در چادر خوابیدم و اسب سوار شدم تا به اینجا رسیدم. به مرز سپید مویی.»

از مجله تخصصی اش گره می پرسیم و می شنویم: «کارهای من در ایتالیا تاثیر بسیاری داشت. مجله من، «گره»، تنها مجله بین المللی قالی بود که هم اکنون ۱۸ سال است، به دو زبان ایتالیایی و انگلیسی چاپ می شود.» از او می پرسیم چرا گره را به فارسی منتشر نمی کند، می گوید: «در میان این همه دل مشغولی و در حالی که جسمم تاب بی خوابی های بیش از این را ندارد، ترجمه گره به فارسی از من بر نمی آید»

فرش هویت ما

«مارکوپولو»، مسافر بنام ایتالیایی وقتی در عثمانی برای نخستین بار «قالی» را دید شگفت زده شد و گفت: «اینجا بسیار زیبا قالی می بافند» در سفر نامه مارکوپولو می خوانیم



طاهر صباحی کیست؟

هنگامی که از قالی سخن می گوید، برقی خاص در چشمانش دیده میشود. میگوید که از کودکی شیفته قالی بوده است، بسان پدر بزرگش - که اهل قفقاز بود و در باکو زندگی می کرد- شاید این عشق را از او وام دارد. از کودکی هایش می گوید، از اینکه چگونه پس انداز آن روزهایش را برای خرید آنچه شیفته اش بود صرف کرده است. داستان را اینگونه بازگو می کند: «پدرم تاجر خشکبار بود و در بازار تهران حجره داشت. صبحگاه تابستان ها، مرا همراه خود به حجره می برد، خوب یادم هست، فرش فروشی در آن راه بر در حجره اش دو پاتختی کاشان آویخته بود، روزها از کنارش می گذشتم، وقتی نور به نقش و نگار پستی ها می تابید، قرمزیش همچون چراغی پیش چشمم خود نمایی می کرد و مدت ها راه رفتنم را آهسته می کرد، پدرم که این را می دید، صدایم می زد. شاید هم می دانست در ذهنم چه می گذرد. مدت ها گذشت تا توانستم آنها را بخرم. پول پس اندازم را به پدرم دادم که لابد کافی هم نبود! نمی دانم پدر چه قدر از جیب خودش روی آن گذاشت تا شادم کند.

بیش از خودم، پدرم آنها را دوست داشت.» صباحی می گوید که پس از مهاجرتش به ایتالیا هم، هنوز دل در گرو آن دو بافته داشته است. نفسی تازه می کند و ادامه می دهد: «دلم نمی آمد پدرم را از آنها محروم کنم. این بود که دو پستی تبریز خریدم، زیرا پدر که زاده آذربایجان بود، قالی بافی تبریز را دوست داشت. مادرم نگران بود که

یاد پاکی دختری قشقایی انداخت که به آلمان آمده بود و وقتی آب معدنی را دید، پرسید: «چرا آب را زندانی می کنید؟!»

لبخندی به لبش می نشیند، انگار وجودش پر از غرور می شود و ادامه می دهد: «من روی نخستین فرش امضا دار ایرانی پژوهش کرده ام. نقوش این قالی به حدی پیچیده است که در میان هفت سوار حک شده بر آن، هیچ پوشش یکسانی نمی بینیم. هر هفت اسب با هم متفاوتند، همان طور که نوع شکار سواران با هم تفاوت دارد. شیر، به دست سردار معمولی کشته نمی شود. نقش پادشاه آنچنان با بقیه متفاوت است که حتی بدون توجه به شکار هم می توان او را تشخیص داد. من در تحقیقاتم دریافتم که این قالی در زمان شاه اسماعیل به سال ۱۵۲۴ قمری بافته شده است و نگارنده و بافنده آن، غیاث الدین جامی، همان غیاث الدین علی جامی، خطاط و مینیاتوریست پر آوازه است که چون شیعه بود، نمی خواست واژه «علی» را در قالی بنگارد تا زیر پا افتاده نشود، پیش از آنکه من این نکته باریک را در کتابم بیاورم، هیچ کس نمی دانست نقش این قالی را کدام مینیاتوریست قلم زده است، این قالی هم اکنون در موزه پولدی پتسولی میلان نگهداری می شود.»

می گوید: «بخش بزرگی از کار کنونی من مقایسه مینیاتورها با شکل قالی هاست. این چون و چراها، نکات ظریفی را برایم روشن و آگاهی تاریخی و مردم شناسی ام را افزون می کند.» ادامه می دهد فرش با قالی تفاوت دارد، این را اینگونه شرح می دهد: «فرش، تمامی آن چیزهایی است که زمین یا کف را می پوشاند و قالی، آن است که گره دارد و ما بر روی پرزهایش پای می گذاریم.»

ما دیوانگان شرقی!

طاهر صباحی شرقیان را دیوانگانی می داند که بی آنکه بدانند اینچنین هنر می پرورند. به یاد دیوانگانی در تورینو ایتالیا می افتد و می گوید: «روبه روی گالری ام در «تورینو» مرکزی برای مراقبت از بیماران روانی بود و من هر روز یکی دو نفر از آنها را می دیدم که



و زن به هنگام خواندن رنگ درهم می آمیزد. دستهای بافندگان می بافت و پس از آن است که اندک اندک قالی رخ می نماید.»

هر قالی نقشه منحصر به فردی دارد، قالی شناسان از روی نقشه هم می توانند بفهمند قالی از کدام سوی ایران آمده است. نقش هایی که بر قالی ها بافته می شوند حالت های روحی ما هستند، احساساتمان نسبت به آنچه پیرامونمان وجود دارد. این نقش ها یا ساده اند یا پیچیده چون و چرا دارند و توسط استادان این هنر پدید می آیند. از اینجا می فهمیم که نقش ها در شهر تکامل یافتند، برخلاف نقوش عشایری که بسیار ساده اند.»

ناگهان یادی در ذهنش می درخشد و در میانه سخنانش به آن اشاره می کند: «سادگی نقش های عشایری مرا به

که چگونه شنیدن نوای رنگ خوانی، او را مجذوب کرده است. مارکوپولو نمی دانست که عثمانی ها در تصرف تبریز، هزاران بافنده را به ترکیه بردند. از آنها و مصری ها قالی بافی را آموختند و آن را به تکامل رساندند. او ندانست قالی عثمانی را هرگز توان برابری با قالی ایران نبوده است.

از او می خواهیم کمی پیرامون فرش، نقش ها و رنگ های آن برایمان بگویند، دوباره آن برق را در چشمانش می بینیم. در حالی که به فرش ها و قالی های آویخته به دیوار خانه اش خیره شده است، می گوید: «بافتن فرش - آنچنان که گاهی تصور می شود - ساده نیست. وقتی استادان مینیاتور نقشه ای را کشیدند، پرداختند و آن را بر کاغذهای میلی متری رسم کردند، نوبت به بافندگان می رسد. صدای مرد

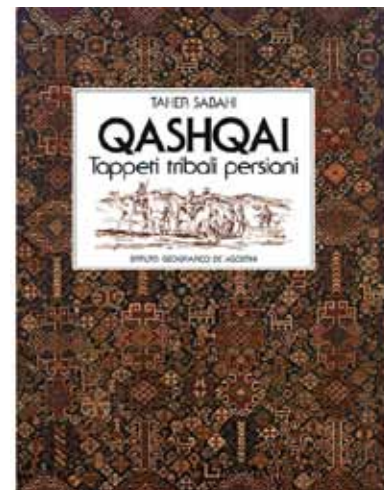


گوشه‌ای از آثار مکتوب دکتر طاهر صباحی :

- 1986 Tappeti d'Oriente. Arte e Tradizione.
- 1987 Splendeur du Tapis d'Orient.
- 1987 Vaghireh. Modelli per la tessitura dei tappeti.
- 1989 Qashqai. Tappeti tribali persiani
- 1989 Tappeti. X volume «Grande Enciclopedia dell'Antiquariato»
- 1990 Kilim. Tappeti piani del Caucaso.
- 1991 ABC del tappeto Orientale.
- 1991 Cavalieri d'Oriente. Coperte da cavallo e da sella dal XVII al XX secolo.
- 1992 Orientteppiche. Band V: Kelims, Kaukasische Flachgewebe.
- 1992 Sumakh. Tappeti piani a trama avvolta (Sumakh. Weft wrapped flat weaves)
- 1995 Una preziosa collezione di antichi tappeti dell'Anatolia .
- 1995 Samarkanda. Tappeti dalla Via della Seta.
- 1997 Tülü. Tappeti a pelo lungo dell'Anatolia Centrale
- 1998 Cina. Antichi tappeti dal Celeste Impero
- 1998 Shahsavan Jajim
- 1999 Tappeti orientali. Manutenzione e restauro
- 2000 TIBET, Rugs from the Roof of the World
- 2005 Cinque secoli di tappeti Kerman
- 2007 L'arte del tappeto d'oriente

چگونه با گچ و رنگ روی دیوار نقش هایی می کشیدند که بیان احساساتشان بود. روانشناسان از روی این نقش ها می فهمیدند که در اعماق وجود این بیماران چه می گذرد؛ همان گونه که در نقاشی های کودکان نیز نمایان است.» او بعد از دیدن آنها به این اندیشیده بود که ما شرقی ها دیوانگانی هستیم که ناخواسته و از روی احساس، هنر بافتن قالی را به وجود آورده ایم. می گوید: «شاهد این امر این است که در ایران هیچ کتاب مهمی در زمینه فرش تا کنون منتشر نشده است. تقریباً ۱۰ درصد ایرانیان به قالی بافی مشغولند. هزاران قالی از ایران در موزه های سراسر دنیا است، اما کتاب های ما را اروپائیان می نویسند. چرا ۶۵ سال پیش - سال ۱۹۴۹ میلادی - یک مامور خرید انگلیسی کتابی پیرامون هنر قالی ما نوشت و ما هنوز هم فقط همان را داریم؟!»

آهی می کشد و با اندوه می گوید: «ما از گنجینه های بافته ای که داریم ناآگاهیم. ما گوش داریم، اما نمی شنویم. چشم داریم، اما نمی بینیم. در دایره ای زندگی میکنیم که تنها به دورش می چرخیم. ما خلق می کنیم، بی آنکه بدانیم چرا و این دیگرانند که برایمان تعریف می کنند



چه شد.» او از ما می پرسد: «مگر نوشتن کتابی پیرامون قالی چه قدر هزینه دارد؟ کاش می توانستیم چنین کتابی هم در خود ایران داشته باشیم.. من خواستم کتابم در ایران چاپ شود، خواستم سازمان میراث فرهنگی، کتابم را چاپ کند تا از سوی وزارت خارجه به عنوان هدیه به کشورهای دیگر فرستاده شود تا شاید آنها بدانند که ما چه بودیم، اما هیچ کس نپذیرفت. من هم اکنون در حال تکمیل آن هستم و حاصل آن را به نام «شکار در بهشت» به ناشری انگلیسی سپرده ام.

به دورها می نگرند و سپس از ناآگاهی ایرانیان می گوید، از اینکه ما به اشتباه می پنداریم نخستین قالی تاریخ را ایرانیان بافته اند، حال آنکه در سال ۱۹۶۱ قدیمی ترین پاره فرش شرقی در کنار رود «نوم هونگ» به وسیله باستان شناسان چینی در چین غربی یافت شد. کربن رادیواکتیو، پیشینه آن را ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد نشان می دهد. او این غرور نا به جای ایرانی را مانع پیشرفت می داند.



گذشته، حال و آینده فرش دستباف ایرانی در گفتگو با دکتر طاهر صباحی

داستان فرش، داستان آدم هاست

سال ها قبل استادی به من می گفت که « من افتخار می کنم که اتومبیل ژاپنی سوار می شوم همانطور که یک شهروند ژاپنی افتخار می کند که فرش ایرانی را در قابی زیبا روی دیوار منزلش نصب می کند» و من معنای کلام او را در آن سال های دور چندان حس نکردم اما اینک نیک می دانم که وی چه منظوری در سر داشته است!

امروزی که فرش ایرانی به واسطه عواملی چند، چندان حال و روزی خوشی را سپری نمی کند و دور نیست که در آینده نزدیک فرش دستباف ایرانی، به طور کلی از خاطره های جمعی جهانیان و حتی ایرانیان پاک شود.

دکتر طاهر صباحی یکی از معدود ایرانیانی است که سالهای پرشمار عمر خود را صرف شناخت و پژوهش درباره فرش و قالی اقوام و مردمان گوناگون ایرانی کرده است به نحوی که تاکنون ۲۰ جلد کتاب تخصصی و با استانداردهای بین المللی را به زبان های فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی به رشته تحریر در آورده است و تنها نشریه تخصصی فرش را نیز با عنوان «گره» هجده سال است که در ایتالیا منتشر می کند.

با دکتر طاهر صباحی که صاحب مجموعه ای نفیس و کم نظیر از فرش های ایرانی در ایتالیاست و وقتی از فرش سخن می گوید گویی از عزیزترین فرد زندگی خود سخن می گوید گفتگویی ترتیب داده ایم که در زیر می خوانید...



پژمان موسوی

Pejman.mousavi@gmail.com

کردم تا اینکه این پستی ها اثرش را روی من گذاشتند و من در نهایت با شکستن قلق خود، موفق شدم آن پستی ها را خریداری نمایم. البته بعد از سفر من به ایتالیا این فرش ها در خانه پدری ماند و سالها بعد من توانستم با اهدای دو عدد فرش نفیس تبریز، این پستی ها را از پدر که حال عاشق این پستی ها شده بود گرفته و با خود به ایتالیا ببرم.

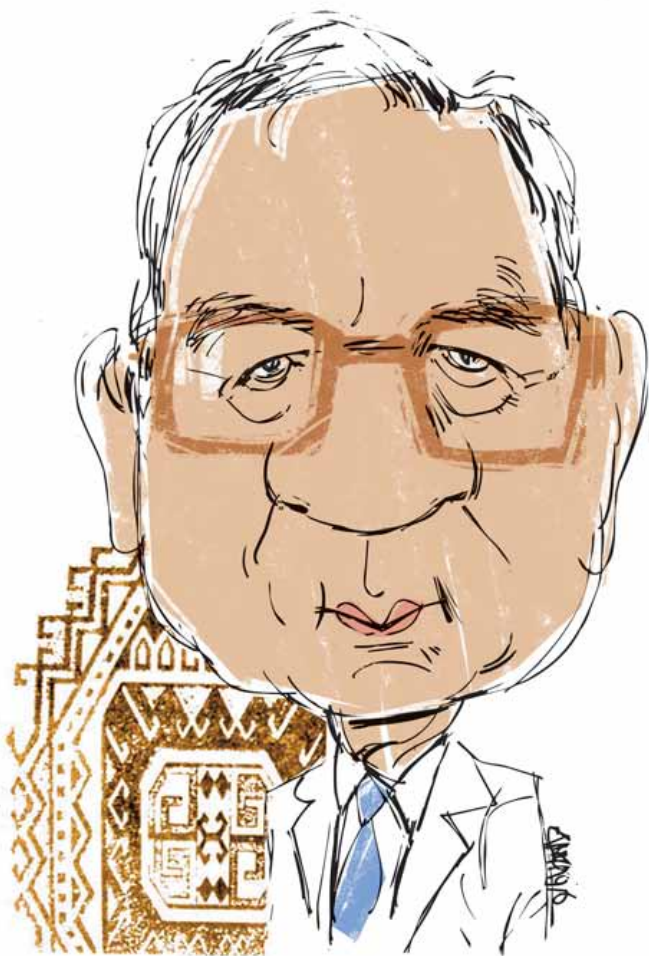
از سفر تحصیلی خود به ایتالیا برایمان بگویید؟ انگیزه اصلی سفرتان به ایتالیا چه بود؟

رفتم ایتالیا چون مادرم دوست داشت پزشکی بخوانم؛ من هم از بین رشته ها داروسازی را برگزیده و در تورینو موفق شدم دکترای داروسازی خود را اخذ نمایم و اضافه بر آن توانستم دو سال هم روانشناسی بخوانم؛ در سالهای پیش از انقلاب من برای تدریس به ایران دعوت شدم اما کمی بعد و با مشاهده شرایط تصمیم گرفتم به ایتالیا بازگشته و زندگی ام را در آنجا ادامه دهم.

پس از بازگشت به ایتالیا، آیا فعالیت در حوزه تحصیلی

جناب آقای صباحی! داستان فرش ایرانی سرگذشتی دارد به غایت تامل برانگیز و اتفاقا چندان پر تعداد هم نیستند آنانی که در این حوزه به فعالیت مشغول هستند؛ از انگیزه ابتدایی خود برای ورود به دنیای فرش ایرانی بگویید و اینکه چطور شد این مسیر را انتخاب کردید؟

من در خانواده ای به دنیا آمدم که پدرم بازرگان خشکبار بود و پدر بزرگ مادری ام هم مردی بود بسیار متمول؛ پدر بزرگم فردی بود که بسیار عاشق فرش بود تا حدی که کارخانه هایی راه اندازی کرده بود تا در آنها فرش بافته شود؛ پدرم البته چیزی از فرش نمی دانست جز اینکه قالی را دوست داشت و گاهی با خواب قالی بازی می کرد. ما همیشه در خانه پدری تعداد زیادی قالی نفیس کرمان و کاشان داشتیم و حتی تابستان ها که ما بیشتر در حیاط و کنار حوض به سر می بردیم هم دو قالی زیبا روی تخت ها می انداختیم و روی آنها می نشستیم. این قضایا ادامه داشت تا اینکه من و برادرم را به سبب بازیگوشی زیاد، صبح ها وادار کردند که با پدرم به بازار برویم؛ ما هر روز در مسیر حجره پدر از جلوی یک قالی فروشی رد می شدیم و من به دو عدد پستی که بسیار چشم من را گرفته بود، نگاه می



خود را رها کرده و تنها به فرش روی آوردید؟ در سال ۱۹۸۴ من برای بوجود آوردن اولین دوره تحصیلی فرش، تلاش زیادی خرج کردم تا اینکه توانستم اولین دوره را با جزوه هایی که خودم تهیه کرده بودم برگزار نمایم: این دوره ها شامل ۱۲ جلسه دو ساعته تئوری بود که علاقه مندان می توانستند ساعت هایی را نیز در کنار بافنده های ما، دروس عملی بافندگی فرش را بیاموزند. همچنین من موفق شدم کلپ دوستداران قالی را در سال ۱۹۸۴ در ایتالیا بوجود آورم که این کلپ با استقبال بی نظیری از سوی دوستداران قالی روبرو شد. در همان سال ها من اولین کتابم را در ۶۴۰ صفحه و با نام «قالی های شرقی؛ هنر و سنت» منتشر کردم که این کتاب تاکنون ۲۴۰۰۰ نسخه اش به زبان ایتالیایی ۱۴۰۰۰ هزار نسخه اش به زبان فرانسوی به فروش رفته است که همین نشان از علاقه ی جهانیان به فرش علی الخصوص نوع ایرانی اش دارد. خاطره ای یادم آمد روزی که مادرم سخت مریض بود و من برای ملاقاتش به ایران آمده بود نگاهی به من کرد و گفت که «حالا می فهمم که تو چرا دنبال فرش رفتی: وقتی کوچک بودی و گریه می کردی من تو را دمر روی قالی می گذاشتم و تو ساعت ها با گل های فرش ها زمزمه می کردی و حرف می زدی بی آنکه گریه کنی در نهایت نیز در همان حالت روی قالی خوابت می برد»

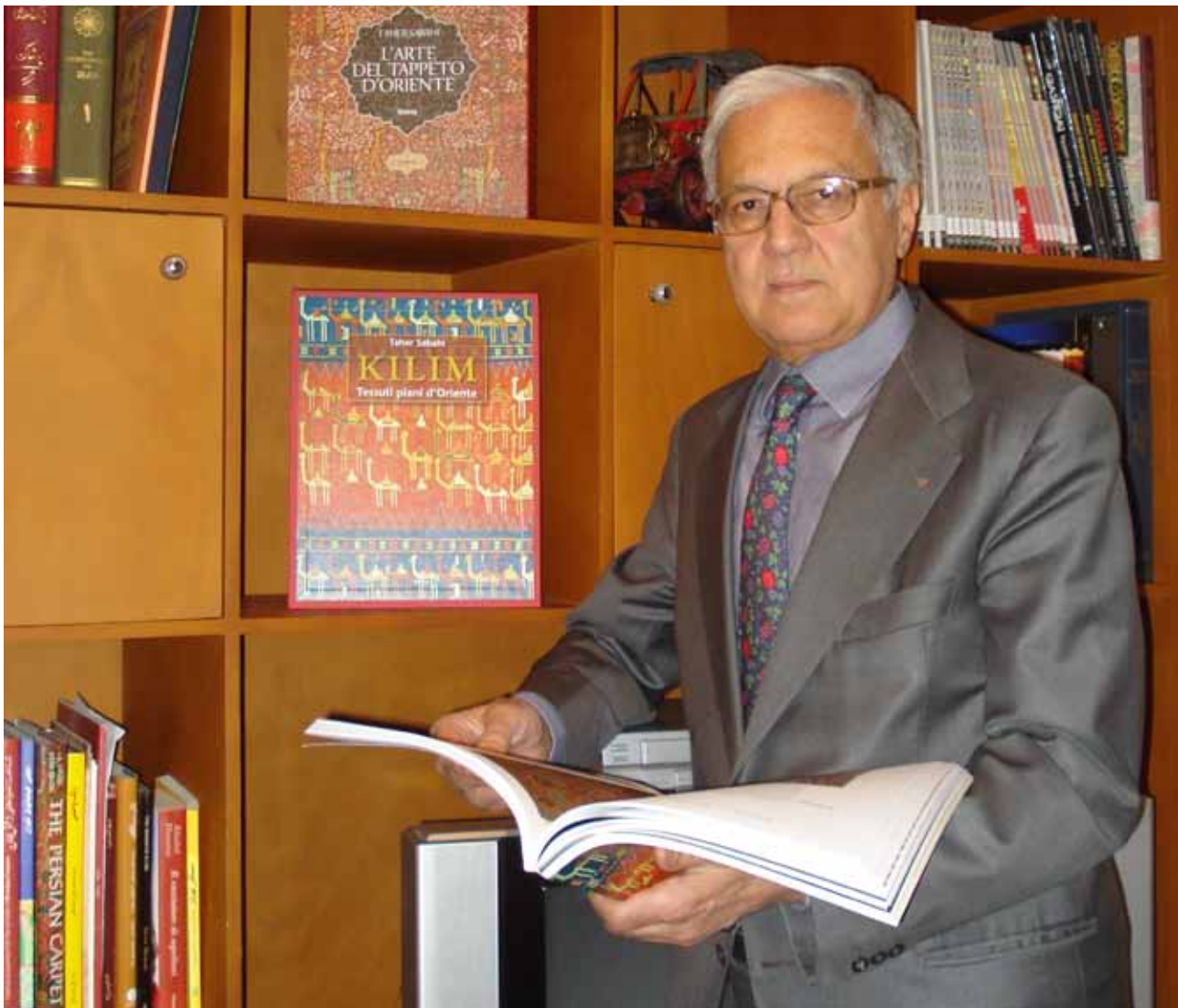
از فعالیت های خود در عرصه شناساندن فرش و قالی ایرانی به جهانیان بگوئید؟ با فاصله ی زیادی که از ایران داشتید چگونه توانستید اطلاعاتی بدین مستدلی را درباره فرش ایرانی در کتاب هایتان مطرح نمایید؟

کارهای من در حوزه فرش کم کم در ایتالیا پخته شد تا اینکه به طور رسمی به عنوان شغل من در آمد؛ در واقع من داروسازی را رها کرده و به آموزش و تجارت فرش روی آوردم البته من تجارت و بازار را هم نوعی دانشگاه می دانم و بر این باورم که وقتی فردی به یک بازاری پا می گذارد، در واقع به یک دانشگاه قدم گذارده است: شما پیرمرد فرش فروشی را تصور کنید که شناختش از فرش ایرانی را از اجدادش فراگرفته است این فرد تا چه حد می تواند یک دانشگاه باشد برای فردی که با او همکلام می شود؟ البته وضعیت اینگونه نبود که من بنشینم در ایتالیا و درباره فرش ایران تحقیق کنم بلکه روزها و ماه ها به ایران آمده و در میان عشایر و روستاییان زندگی کرده ام تا به اینجا رسیده ام؛ با استقرار نسبتاً طولانی مدت در ایل قشقایی ها من موفق شدم کتاب قشقایی ها را منتشر نمایم و الزام به نگارش مقالات تخصصی در مجله «گره» من را به سفر به زاهدان و زابل و بیرجند و خراسان شمالی و آذربایجان و کرمان کشاند؛ سفرهایی که کوهی از تجربه

را برای من که مدتی را با آنان زندگی کرده بودم به دنبال آورد. همین تجارب منجر به این شده است که من مجله گره را در ۱۸ سال مداوم بی توقف و در تخصصی ترین شکل خود منتشر نمایم. در واقع نت هایی که من از دیدارهایم با بافندگان و اهالی محلی جمع آوری کرده بودم و پشت جیب یا داخل منازل دهقانان یا چادر عشایر و یا در هواپیماها به رشته تحریر در آوردم، مقدمه ای شدند برای انتشار ۲۰ جلد کتاب تخصصی به زبان های ایتالیایی و فرانسوی و انگلیسی در حوزه فرش.

همچنین با وعده ای که من با مسئولین استان کرمان گذاشته بودم قرار بود کتاب جامعی را در باره قالی کرمان به رشته تحریر در بیاورم که متأسفانه به دلایل مشکلاتی این امر میسر نشد و من بعدها این کتاب را با هزینه خودم و با استانداردهای بین المللی آماده چاپ به زبان انگلیسی کردم. همین رفت و آمدها به استان کرمان بود که من را به این نتیجه رساند که هیچ جا بهتر از کرمان نیست و هیچ مردمی بهتر از کرمانی ها نیستند.

همواره این سوال مطرح بوده است که آیا زنان و مردانی که از کمترین سواد علمی برخوردار هستند، چگونه می توانند هنری با این ظرافت و زیبایی را به عرصه ظهور در آورند؟ چه راز و رمزی در این امر نهفته است؟



با تعامل با یکدیگر فرهنگ‌ها و آداب و رسوم را با یکدیگر تقسیم کردند فرش‌ها نیز همان کار را کردند. اما اینکه ما می‌خواهیم بگوییم همه کارها را ما ایرانی‌ها کردیم این طور نیست زیرا ما که نمی‌خواهیم با خدا رقابت کنیم و شواهد بسیاری هست که نشان می‌دهد قدیمی‌ترین فرش کشف شده گره دار در کناره رود نورم هونگ چین در سال ۱۹۶۱ توسط باستان‌شناسان چینی اس که قدمت آن به ۴ هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. این قطعه کوچک اکنون در موزه جین گای نگهداری می‌شود. و بعد می‌رسیم به کشف پازیریک که به تناسب کامل و با نقوش زیبا در گورگان شماره ۵ در منطقه آلتایی سیبری، در ۲۰ کیلومتری مرز چین توسط پروفیسور رودنکو در سال ۱۹۴۹ کشف شد که اکنون در موزه هرمیتاژ نگهداری می‌شود. در ایران قدیمی‌ترین فرشی که تا کنون کشف شده است متعلق به قومس یا گومش منطقه ای در استان خراسان است تا اینکه میرسیم به قالی معروف بهارستان که برای طاق کسری ساخته شده بود و خسرو پرویز با تماشای آن به اوج لذت می‌رسید و این جریان ادامه دارد تا هم اکنون که فرش دست بافت ایرانی به این مرحله رسیده است. علت اصلی اینکه ایرانیان به قالی بافی مشهور شدند و

شما دیوانگان و کودکانی را تصور کنید که بر روی دیوارهای محل نگهداریشان خط و خطوی را به صورت نقاشی می‌کشند که به نظر ما بسیار هم نامفهوم است. حال این سوال مطرح است که چه کسی می‌تواند بفهمد که این خط و خطوط چیستند؟ پاسخ روشن است، روانشناسان. ما هم همین را داریم یعنی چیزی را که یاد گرفته ایم تجسم کرده و به صورت خلاقیت از خود بروز می‌دهیم و این می‌شود هنرهایی که ما می‌سازیم. بنابراین ما از نظر علم به هنر تهی هستیم اما از نظر خلاقیت هنری غنی هستیم؛ ما هنر را نمی‌شناسیم آن را خلق می‌کنیم.

نقوشی که بر روی قالی‌های ما نقش بسته اند آیا اصالتا ایرانی هستند؟ کمی از داستان فرش از ابتدا تا به امروز برایمان بگویید؟

این نقوشی که شما بر روی فرشها ملاحظه می‌کنید اصالت کامل ما نیستند؛ نقوش مسافرت می‌کردند به نحوی که بسیاری از نقوش ما در ابتدا از آسیای مرکزی و چین به ایران آمدند. فرش داستان‌هایی برای خود دارد که بسیار شنیدنی است، قالی داستان آدم هاست و همان طور که ادمیان

فرش ایران به عنوان نمادی از کشور و ملت ایران درآمد چه بود؟ در واقع می‌خواهم بدانم علت تاریخی گرایش ایرانیان به قالی بافی چه بوده است؟

ببینید ما روی فرش می‌خوریم، می‌خوابیم و می‌میریم. و حتی رسم است که مرده‌هایمان را هم لای فرش می‌پیچیم در واقع باید گفت که فرش از ابتدا با ما عجین بوده است و ما نمی‌توانسته ایم آن را از خود جدا کنیم و آب و هوای گرم و خشک ایران هم بسیاری از ایرانیان را به سمت قالی بافی که شغلی است سازگار با این نوع آب و هوا کشاند. از سوی دیگر از قدیم در منطقه خاورمیانه، ایران بزرگترین و قدرتمندترین کشور منطقه بوده است؛ ایران همواره جمعی بوده است از اقوام مختلف با هنرهای مختلف و شما تصور کنید هر قوم را با سبکی خاص از قالی بافی؛ چه مجموعه عظیمی می‌شود از فرش‌هایی با طرح‌ها و نقش‌های مختلف که از قضا برای آنها روزی رسان هم بوده است.

جناب عالی که تا کنون بیش از ۲۰ جلد کتاب در رشته تخصصی فرش و قالی را به رشته تحریر درآورده‌اید، آیا هیچ‌گاه به این فکر نیفتاده‌اید که چرا این کتاب‌ها هیچ‌کدام به زبان فارسی نیستند؟ آیا این موضوع شما را به عنوان فردی که در مورد هنر ایران کار کرده است رنج نمی‌دهد؟

متأسفانه موضوعی که در کشور ما وجود دارد این است که عده‌ای در داخل خودشان را به کارهای کوچکی که در حوزه مطالعات فرش و قالی انجام می‌شود قانع کرده‌اند. کامل کار نکرده‌اند و به دنبال بیش از آن هم نیستند و این در حالی است که من حاضرم تمامی این کتاب‌ها را برای ترجمه در اختیار علاقه‌مندان بگذارم اما موضوع این است که اولاً اهمیت این موضوع درک نشده است و اینجا کسی حاضر به تأمین مخارج آماده‌سازی این کتاب‌ها برای ترجمه فارسی نیست.

در واقع این اقدام نه احترام به من که حرمتی است به قالی، حرمتی است به دو میلیون بافنده‌ای که اقرار می‌کنند در ایران وجود دارد و نهایتاً حرمتی است به هشتاد میلیون ایرانی که وقتی جلوی قالی می‌رسند به احترام، کفش‌هایشان را در می‌آورند و من فکر می‌کنم که هنوز مانده است که خیلی‌ها بفهمند که جد و آبادشان از نظر قالی بافی که بوده‌اند و چه کرده‌اند؟ اینکه چه قالی‌های نفیسی هم اکنون در موزه‌های دنیا متعلق به ایرانیان است و از آن هیچ‌گونه اطلاعی ندارند. از سوی دیگر فارسی‌نویسی برای من که سالها در خارج از کشور زندگی کردم کار چندان آسانی نیست و من خیلی هنر کنم می‌توانم مجموعه مطالعات و تحقیقات خود را به زبان ایتالیایی به صورت کتاب در آورم و خیلی طبیعی است که باید فرد یا افرادی باشند که آنها را به فارسی ترجمه کنند.

وضعیت امروز فرش ایرانی در چه حال است؟ بسیاری معتقدند دیگر باید با روزهای شکوهمند فرش ایرانی خداحافظی

کرد و آن را در خاطره‌ها یافت، در این باره چه نظری دارید؟
بله دقیقاً همین‌طور است چینی‌ها و هندی‌ها فرش ایرانی را بردند و بافتند و همه چیز برای ما تمام شد در واقع آنها تکنیک و تجارت فرش را از ما گرفتند زیرا آنها اصولاً به هنر فرش نیازی ندارند و همان‌طور که می‌دانید از همه چیز مهمتر در این رشته تبلیغ برای فرش است و مگر ما چقدر قدرت و توانایی داریم که برای قالی ایرانی تبلیغ کنیم؟ برخلاف نظر خیلی‌ها من معتقدم که قالی و فرش تنها یک هنر نیست بلکه یک صنعت است و تنها در بعضی از موارد است که این صنعت تبلور هنر خواهد شد.

من متأسفانه باید اعلام کنم که بی‌توجهی ما نسبت به این هنر ناب ایرانی منجر به این شده است که فرش و قالی ایرانی کاملاً از دستمان در برود و دیگران این هنر ایرانی را به نام خود به جهانیان عرضه کنند. علت هم به نظر من روشن است: بر سرکار گذاشتن افرادی که چندان دلسوز فرش نیستند و مدیریتشان هم قابل دفاع نیست؛ همه‌ی این عوامل دست به دست هم داده است تا فرش که تاکنون بخشی از وجود ما بوده است به همین راحتی از کفمان برود.

آیا راه بازگشتی هم وجود دارد؟ آیا می‌توان امیدی به احیای جایگاه رفیع فرش ایرانی در آینده بست؟

نظر شخصی من این است که این موضوع و کنترلش از دست ما در رفته است و نمی‌توان چندان نسبت به بازگشت روزهای شکوهمند گذشته امیدوار بود و حتی حالا حالاها هم کسی پیدا نخواهد شد که چون من درباره فرش ایران بنویسد و این در حالی است که وقتی من به موزه‌های منطقه و جهان می‌روم و قالی ۴۰۰ ساله کرمان را به عنوان مثال در آنجا می‌بینم با خود می‌گویم که این گوشه‌ای از تاریخ ایران است که در اینجا به نمایش درآمده است و ما چه ناسپاسیم که با میراث خود چنین می‌کنیم. البته یک راهکار به نظر من وجود دارد و آن هم اینست که رئیس‌جمهوری یک معاون برای خود به عنوان متصدی قالی و دست‌باف‌ها در نظر بگیرد و سرنوشت فرش ایرانی را از دست سازمان میراث فرهنگی و وزارت بازرگانی خارج نماید در آن هنگام است که کارشناسان این حوزه نسبت به این تجمیع وظایف امیدوار شده و می‌توانند راهنمایی‌های لازم را به آن شخص مطرح نمایند.

اما الان وضعیت فرش به گونه‌ایست که ما در حوزه مدیران دولتی با افراد مختلفی سر و کار داریم که به نوعی وابسته به وزیر یا مقامات بالاتر از خود هستند و نمی‌توانند چندان با اختیار کامل برای فرش ایرانی تصمیم‌گیری نمایند در حالی که اگر یک نفر متصدی وجود داشته باشد که بتواند این کار را دست بگیرد و در عین حال «دلسوز» هم باشد، می‌تواند برنامه‌های خوبی را برای نجات فرش ایرانی پیاده نماید. اما الان داستان فرش مثل شرایط یک شهر بعد از زلزله است که نمی‌دانیم از کجا باید جمعش کنیم و از کجا باید آغاز نماییم و این در حالی است که فرش گنجینه عظیم ماست و این گنجینه نیز همواره در اختیار ما نیست و ممکن است ۱۰۰ سال دیگر، دیگر در اختیار ما نباشد...

چالش تازه ای به نام ادغام؛ سونامی جدید در فضای کسب و کار و تجارت فرش کشور

هرچند کازمودم از وی نبود سودم
من جرب المجرب حلت به الندامه
علیرضا قادری



وزارتخانه با موضوعات جدی تری مثل تامین گندم و میوه و سایر اقلام ضروری سفره مردم و توزیع آن قلمداد می کرد گرچه این بهانه هم هیچ گاه بدرستی باجرا در نیامده و نه تنها کنترل و نظارتی بر آن نبوده بلکه با ورود بی برنامه و حجم سنگین واردات، کشاورزی و باغداری در کشور در سراشیب سقوط و ورشکستگی قرار گرفت.

البته غضنفری این خرسندی را به امیدواری اش به محور قرار دادن توسعه صادرات غیر نفتی نسبت داده است. امری که در شرایط استقلال این دو وزارت خانه، بدلیل روزمره گی، عدم اراده واقعی و نبود ساز و کار مناسبی برای تحقق آن، هرگز نتوانست جامه عمل بپوشد.

مهدی غضنفری همچنین در توجیه استقبالش از ادغام وزارتخانه های بازرگانی و صنایع و معادن و تشکیل وزارت تجارت و صنعت، گفت: هم اکنون در دنیا بسیاری از کشورها، یک وزارت صنایع جداگانه که وزارتخانه کالایی باشد و یک وزارتخانه بازرگانی جداگانه که وزارتخانه

شامگاه ۲۸ اردیبهشت و در حاشیه جلسه هیئت دولت، لطف الله فروزنده، معاون توسعه منابع انسانی ریاست جمهوری در جمع خبرنگاران از ادغام وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و معادن خبر داد. فروزنده این اقدام را به انطباق آن با برنامه پنجم توسعه نسبت داد.

وی همچنین از تشکیل وزارت خانه جدیدی که قرار است وظیفه دو وزارتخانه قبلی را بر عهده گیرد مژده داد!

وی اعلام کرد: «قرار است...! کار گروهی متشکل از وزرای وزارتخانه های مربوط به همراه معاون برنامه ریزی و معاون توسعه منابع انسانی ریاست جمهوری برای تهیه سازوکار مناسب جهت ادغام این وزارتخانه ها تشکیل شود!»

در این میان استقبال و خوشنودی وزیر بازرگانی از این موضوع قابل توجه است. تا پیش از این وزیر بازرگانی عدم تمرکز برای حل معضلات فرش کشور را درگیری این

انتظاراتی که از این تجمیع می رود باشیم.

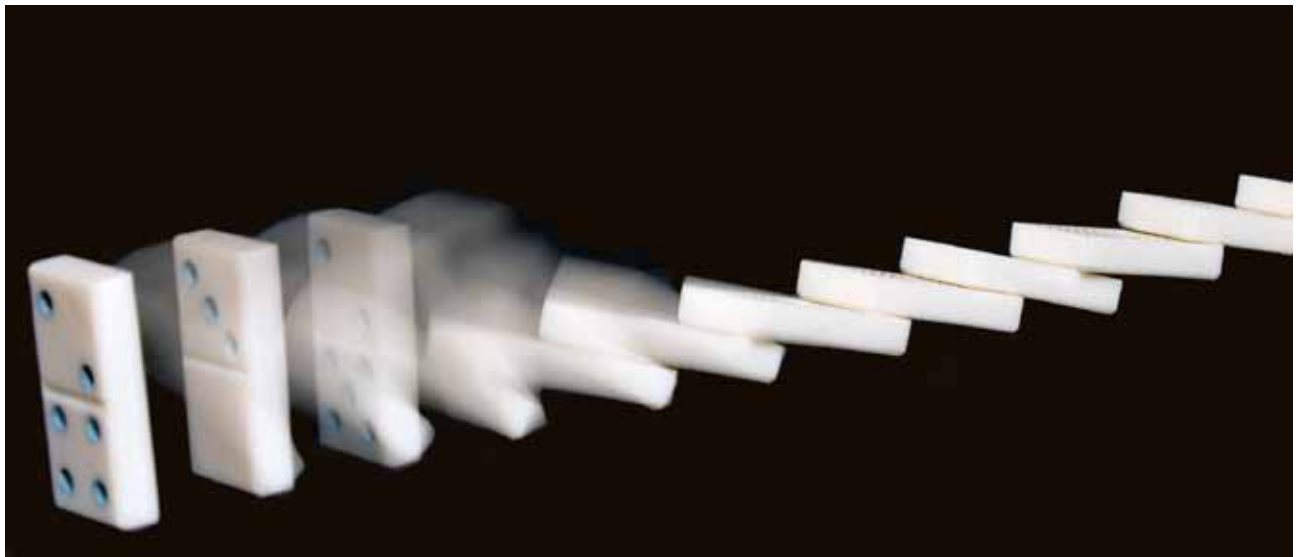
پاک کردن صورت مسئله در عوض حل مشکل:

حقیقت این است که در اغلب موارد و در مواجهه با مشکلات به جای حل مشکل و رفع موانع که منطقی ترین و ساده ترین و در عین حال بهترین راه حل است، با اقدامی عجیب و غریب شوک سنگینی را به سیستم اجرائی و بتبع آن مردم و شهروندان وارد می کنیم. تازه در همین حال انتظار داریم که همچنان مردم و خصوصا فعالان بخش خصوصی که بیشترین آسیب را بواسطه عدم پاسخگویی به خواسته هایشان متحمل می شوند، به فرمایش وزیر بازرگانی «باید صبوری کنند». اگر بخش خصوصی تمامی فرصت سوزی های قبلی وزارتخانه ها را در داخل و خارج کشور و ببر و بیارهایشان را به جلسات صوری کارشناسی تحمل کردند، بواسطه امید به رفع موانع و مشکلات بوده و

تجارت و مدیریت کالا باشد؛ وجود ندارد، بلکه این دو وزارتخانه با هم ادغام شده اند. من هم تصور می کنم اگر در ایران فرصتی پیش آید که بتوان این ادغام را صورت داد، به نفع تولید و بازار ما است.

غضنفری اما به این موضوع اشاره ای نکرد که وزارت خانه های خارجی! با چه سازو کار و برنامه ای کار می کنند و آیا در وزارت در شرف تاسیس تجارت و صنعت به این مهمات پرداخته شده است یا خیر؟

وزیر بازرگانی همچنین توضیح داده که: «به نظرم بهترین راه این است که مدیریت این دو را به یک وزارتخانه سپرد تا بالانس و تعادل در رعایت حقوق تولیدکننده و مصرف کننده ایجاد شود. تا زمانی که این مدیریت در دو وزارتخانه متمرکز است، مشکلاتی از این دست پیش می آید؛ اما هم اکنون که این شرایط فراهم نیست، باید صبوری کرد.»



هست. اکنون آنان نیازمند پاسخی درخور تر از «صبور باشید» آنهم با لفظ آمرانه «باید» هستند.

سیاست جاگذاری بخش خصوصی:

بخش دولتی هرگز نتوانسته است همسنگ بخش خصوصی خویشتندار و صبور و اهل تعامل و همکاری مشفقانه باشد. در عوض بخش دولتی با توجه به انواع ابزارهایی که یکسویه در اختیار دارد همواره خود را در موضعی متفاوت دیده و از عرش با مخاطبان خود در بخش خصوصی سخن می گوید. همین اقدامات که جزو و جزئی از رفتارهای دولت ها شده باعث گردیده است تا علیرغم تمامی شعارهای شیرین و اغوا کننده حمایت از تولید و مصرف، همواره طرف بازنده همان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان باشند. تا مدیران ارشد دولتی بتوانند با آزمون و خطا، احتمالا راهی برای حل مشکلات بیابند.

توجیهاتی غیر قابل فهم از تصمیمات:

گرچه واژه هایی چون رعایت حقوق مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، مدیریت یکپارچه، تجمیع اقدامات موازی و نظایر آن عبارتی خوشایند و همه پسند است! اما وقتی دو وزیر در دو وزارتخانه تحت مدیریت خود، کارامدی لازم را برای هدایت مجموعه در جهت اهداف کلان نداشته اند، توقع تحقق این امر در وزارتخانه جدیدی که قرار است بار هر دو این وزارتخانه ها را بدوش کشد و تمامی مشکلات ریز و درشتی را که در وزارتخانه های قبلی وجود داشته یک تنه حل و فصل نماید، توقعی بیجا و بی منطق است.

وزارتخانه جدید اگر بخواهد همانند دو وزارتخانه قبلی در برابر سئوالات نمایندگان مردم، دستگاه های نظارتی و اعتراض به سرپیچی ها و بی اعتنائی به وظایف قانونی، به همان نحوی که تا کنون این دو وزارتخانه پاسخگو بوده اند عمل کند و مشکلاتش را به بهانه حجم فعالیت های متنوع توجیه کند باید از هم اکنون منتظر عدم تحقق



ادغام و هنر - صنعت فرش دستباف

ادغام وزارت بازرگانی و صنایع هر لطف و نتیجه مثبت احتمالی ای داشته باشد، یقیناً در حوزه فرش دستباف ایران دستاورد مثبتی نخواهد داشت. آمارهای منتشره از سوی مراکز مسئول و متولی بیانگر وجود حداقل هشت تا حداکثر ۱۲ میلیون نفر شاغل مستقیم و غیر مستقیم در این رشته است که معیشت خود را از این راه تامین می کنند. همین آمارها تاکید دارد که از این میان دو میلیون نفر آنان بافنده، و مابقی تولیدکنندگان، فروشندگان، تجار و صادرکنندگان و فعالان سایر زیر رشته های این بخش هستند. هزاران کارگاه خانگی، مجتمع های بافندگی و نیز کارگاه های ریسندگی، تابندگی، پرورش ابریشم و ابریشم کشی، رنگرزی، تعمیرات و رفو، کارخانه های قالیشویی و تکمیل و... نیز در این میان وجود دارند که هر تصمیم عجولانه و ناپخته ای زنجیره بهم پیوسته را چون ردیف دومینوها، یکی پس از دیگری واژگون و نابود خواهد کرد.

پیش از این فرش دستباف ایران بلحاظ مشکلات عدیده ای که بر سر راه آن قرار داشت، بخش اعظمی از نیروی خود را صرف رویارویی با راه بندها و سنگ های پیش رو می نمود. در این مسیر گاه موانع چندان سخت و غیر قابل عبور بودند که توقف حرکت موجب بروز اختلالات جدی در بخش تولید و تجارت می گردید. مراکز دولتی و شبهه دولتی متعددی در این زمینه علاوه بر ورود و فعالیت غیر سیستماتیک، هر یک در پاره پاره شدن اوراق ارزشمند کتاب تاریخ هنر قالیبافی نقش موثر و الحق تلاش بی کم و کاستی!! نمودند. بخش خصوصی، که عملاً تمامی قطعات این پازل را از مرحله پشم چینی تا صادرات قالی و انواع زیراندازها تشکیل داده و می دهد، در پس این موانع، روز بروز ضعیف تر، محدود تر و رنجور تر گردید. کار از شکایت از وضع موجود به یاللمسلمین رسید، اما گوش شنوا و راهبری هوشمندی در میانه نبود تا این کشتی طوفان زده را اگر نه با هدف رساندن به ساحل نجات، که لااقل سکانداری کند. جمیع این مشکلات که با تمامی سرمایه های مادی و معنوی و آبروی دستاندرکاران سر و کار داشت، نهایتاً به لزوم همگرایی، همفکری و تفکر جمعی پیرامون یافتن راه حلی اساسی منتهی گشت: تعیین متولی واحدی که بتواند بطور مستقل و با اختیارات لازم و کافی در کنار دستاندرکاران بخش خصوصی، مسیر سنگلاخ و پرتگاه های هراسناک را به راه باریکه ای که خانواده بزرگ فرش دستباف بتوانند در مسیر آن ریسک های مختلف تولید و تجارت را پذیرفته و فضای ناکارآمد و مغشوش را به محیطی با آینده ای معقول بدل کنند.

این خواسته در میان نخبگان و فعالان فرش دستباف با مطالعه و صرف وقت فراوان و تشکیل جلسات متعدد با دستگاه های دولتی، بالاخره توانست به این نتیجه برسد که

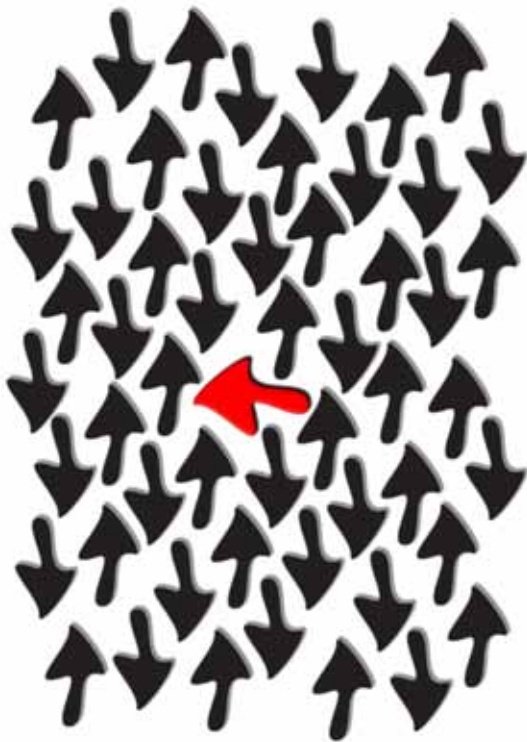
ساماندهی فرش دستباف کشور جز از طریق متولی واحد و در یک سازمان مستقل زیر نظر رئیس جمهور، با بودجه و اختیارات و تعاریف معین سازمانی غیر ممکن است. این نتیجه گیری از طریق مدیر عامل وقت شرکت سهامی فرش ایران به وزارت بازرگانی رفت تا از آنجا در هیئت دولت مطرح و به نتیجه برسد.

گرچه از زمان نتیجه گیری و درخواست تا زمان تشکیل جلسه دولت زمان زیادی صرف شد ولی در نهایت در اوایل سال ۱۳۸۳ شورایعالی اداری در مصوبه ای تولیدگری فرش را با دستور تجميع تمامی فعاليت های مرتبط با فرش دستباف، به مرکز ملی فرش ایران واگذار نموده و سایر دستگاه های دولتی را از هرگونه عملیات تصدیگری و ورود به این حوزه منع کرد!

گرچه تشکیل مرکز ملی فرش ایران گامی بلند و جدی در جهت خواست دستاندرکاران محسوب می گردد، لیکن این اقدام عملاً بدلیل جایگاه ضعیفی که برای آن در وزارت بازرگانی در نظر گرفته شده بود، نمی توانست خواست اساسی دستاندرکاران را تامین کند و در واقع اقدامی حداقلی در جهت خواسته های بخش خصوصی بود.

با خروج دستگاه های دولتی از نظام تصدیگری و تصمیم گیری فرش کشور، تشکل های وابسته به این دستگاه ها تحت عنوان اتحادیه ها که بعضاً خود را بیش از توان اداره و قابلیت مدیریت بر مجموعه های تحت پوشش پهن و در سراسر کشور گسترده بودند در کنار بخش خصوصی باقی ماندند. با تشکیل وزارت تعاون برخی از آنان تحت این مجموعه در آمدند و چند گانگی در تمیم گیری و اداره کلان فرش مجدداً جوانه زد.

این تعاونی ها و سایر دستگاه های وابسته به دولت در جریان فعالیت های خود مقادیر زیادی به عنوان بدهی نزد بانک ها را با خود به همراه داشتند. لابی ها و خرج کردن عنوان بافنده و شعارهای ما فرش را به عرش خواهیم رساند بالاخره کارساز افتاد و بخش اعظمی از بدهی ها یا بخشوده شد یا با استمهال به آینده ای دور موکول شد.



و کارشناسانه آن بوده است، چه سرانجامی خواهند یافت، مجدداً به عنوان مشکل و دغدغه‌ای تازه فرا روی ذینفعان و دست‌اندرکاران از جمله فعالان فرش دستباف قرار گرفت. گویا قرار نیست فرش دستباف ایران حتی یک دوره کوتاه باندازه یک فصل سال را بدون دغدغه سر کند!

در حال حاضر پس از جلسه‌ای که قرار بود نمایندگان دو وزارتخانه در شورای عالی اداری تشکیل گردد و بدلیلی تشکیل نشد، جلسه دیگری برای تعیین جایگاه فرش تشکیل گردید که مهمترین نتیجه‌گیری آن تشکیل معاونتی در وزارتخانه جدید بود. البته حاضران در این جلسه هدف از برگزاری آن را آمادگی قبلی برای مواجهه در جلسه شورای عالی اداری قلمداد می‌کنند.

به هر حال اینک و در کنار تمامی این مسائل حدیث‌های تازه‌ای مطرح است که یکی از آنها ادغام سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در وزارت ارشاد است. که قرار است اواسط خرداد ماه در صحن مجلس طرح گردد...

اما آنچه می‌توان و باید گفت این است که فرش دستباف ایران دارای ویژگی‌ها و الزامات خاصی است که عدم توجه به آن بشدت خطرناک و زیان‌آور است. جامعه فرش دستباف بهترین گزینه را تنها در تشکیل سازمانی مستقل با اختیارات و امکانات کافی می‌دانند و به عنوان دلسوزترین افراد برای فرش کشور بر آن تاکید جدی دارند و هر اقدامی بر خلاف آن را شکست خورده و نا موفق ارزیابی می‌کنند.

در این باره در شماره آتی باغ ایرانی بیشتر خواهیم گفت.

در همین جریان این سود بانکی بود که سوخت و به هوا رفت. خاطره چنین لطمه‌ای هنوز در اذهان کارشناسان و مدیران اعتبارات بانک‌ها، چندان تلخ و ناگوار است که آنها را نسبت به موضوع تسهیلات به فرش کشور بشدت حساس و فراری نموده است.

سیاست‌های مالی و ارزی کشور، نبود برنامه‌های روشنی برای آینده فرش کشور و عدم اختیار و استقلال مرکز ملی فرش ایران به عنوان متولی بی‌اختیاری که مجوز خرید بلیط هواپیمای بازدید رئیسش باید در وزارتخانه طرح و تصویب و سپس پرداخت شود. در کنار سونامی تحریم بازار کشورهای خریدار، آشوب و به هم ریختگی بازار کشورهای عربی، صدمات جدی بازار ژاپن در پی واقعه اخیر، تحریم بانکی، تورم افسار گسیخته و روزافزون و هزاران مانع و رادع دیگر، مجدداً فرش کشور را شرایط سخت و ناگواری قرار داد. با وجود متولی طبعاً و قطعاً باید بسیاری از مسائل لااقل در حوزه‌های داخلی و بین دستگاهی حل می‌شد. لکن این امر عملاً بوقوع نپیوست.

مدیرانی که از میز و صندلی و منشی و مشاور اشباع شده بودند به دو دلیل عمده از اثرگذاری واماندند. یکی اختیارات محدود و وابستگی اساسی به وزارتخانه و دیگری عدم کفایت لازم برای راهبری و مدیریت دستگاه هدایت کننده در چنین بخش عظیم و گسترده‌ای.

درآمدناشی از تلاش بافنده و در نهایت کوشش صادرکنندگان در حفظ و توسعه بازارها گرچه در مجموع با توجه به بزرگی عدد وابستگان به فرش دستباف، مبلغ ناچیزی است، لکن همین مبلغ موجب وسوسه دستگاه‌هایی نظیر صنایع دستی شد تا با الحاق فرش به زیر مجموعه خود از آن به عنوان پرده ساتری بر عدم توفیق خود در صیانت از صنایع دستی بهره برند.

در کشاکش الحاق فرش به صنایع دستی، متولی فرش انصافاً از هیچگونه سکوت و وادادگی دریغ نکرد!! و اگر همت و پیگیری بخش خصوصی نبود، همین متولی و همان اتحادیه‌ها دو دستی فرش را به سازمانی می‌دادند که سالها است خود ورشکسته و زمینگیر است.

بالاخره رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی با اظهار این مطلب که معاون صنایع دستی‌اش در مقابل خبرنگاران «جو زده» شده و چنین ادعاهایی را مطرح ساخته است، پرونده این مصادره غیر قانونی را بست. گرچه آتش این تصور و توهم هنوز در ذهن معاون صنایع دستی و مدیران وی شعله ور باقی ماند.

با طرح سیاست کاهش تعداد وزارتخانه‌ها و در نتیجه مطرح شدن موضوع ادغام وزارت بازرگانی با صنایع و معادن، چالش بزرگتری سر برآورد. بلافاصله پس از طرح موضوع، مجدداً داعیه الحاق فرش در صنایع دستی طرح و به موازات پیش رفت. البته نباید نقش فعال مدیران تعاونی‌ها را در طرح مجدد این مسئله نادیده گرفت. کسانی که فکر می‌کنند حرفشان در مرکز فرش خریدار ندارد و شاید از این انتقال نفعی عایدشان گردد.

اینکه دستگاه‌ها و سازمان‌های وابسته به این دو وزارتخانه که اصل تفکیکشان از وزارتخانه بلحاظ ظرافت‌های خاص

برخی مبانی و اصول اولیه در بازبافی و احیای فرش های مناطق

استاد تورج ژوله



توضیح:

این مطلب در همایش فرش دستباف بروجرد که در تاریخ ۲۴ تیر ماه ۸۹ در محل تالار زرین کوب اداره ارشاد این شهر برگزار گردید. ارایه شد. از آنجا که اطلاع رسانی کافی از این همایش انجام نشد، بسیاری از علاقمندان از دسترسی به مطلب استاد تورج ژوله باز ماندند. باغ ایرانی به لحاظ نکات بسیار مهمی که ژوله در این بحث طرح نموده است مبادرت به انتشار این مطلب کرده است.

۱- مطابق منابع و اسناد متعددی که در دست است، توجه ویژه به فرشهای قدیمی با تأکید بر طرح و رنگ های قدیم همواره مورد توجه تولیدکنندگان و طراحان فرش ایران بوده است، به نحوی که حتی در اسناد باقیمانده و نقشه های مربوط به سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ هجری شمسی در شرکتهای بزرگ خارجی نظیر شرکت تولید کنندگان قالی شرق مشهور به O.C.M و یا شرکت های دیگری نظیر برادران کاستلی و زیگلر همواره به استفاده و توجه ویژه به رنگ ها و طرح های قدیمی تأکید مضاعف و ویژه ای داشته اند و عبارت ((رنگ آموز قدیم)) به شکل دستوری در کنار نقشه های باقیمانده از این شرکت ها نشان می دهد که حتی در اوایل همین قرن نیز تا چه حد کاربرد و تأکید بر اصالت قدیمی فرش های هر منطقه مورد توجه تولیدکنندگان و طراحان فرش بوده است. اگر باز هم در مسیر تاریخ به عقب برگردیم تأکید شاه اسماعیل یکم بر حفظ اصالت های قالی ایران، آشکارا تأکیدی است بر تمامی اصالت های قالی ایران اعم از طرح و رنگ و فنون بافت.

فرمانی که ۲۶ روز قبل یعنی سوم مرداد ماه، پانصد و هشتمین سالروز صدور آن بود و نقل است که وی در این



طرح عروسکی



طرح سماوری - روستای برده سر

فرمان، بازگشت به طرحهای دوران ساسانیان را مد نظر قرار داده بود. توجه حضار را به این نکته جلب می‌نمایم که چنین پابندی به حفظ اصالت و پرهیز از تحولات و دگرگونی‌های ناگهانی به معنای تکرار یا ملال آور شدن هیچ فرش نیست، بلکه منظور من یک هشدار جدی در ارتباط با برخی گمانه‌هایی است که در مورد متولیان فرش استان در ذهن دارم و پروای بیان آشکار آن را ندارم. دانش روز آمدن شدن فرشهای قدیمی مناطق خاصه از نظر طرح و رنگ و صد البته سایر مباحث فنی معلومات ویژه ای را بایسته و شایسته است که کسب آن فقط از طریق مطالعات کاملاً تخصصی در حوزه ی خاص آن میسر و عملی است. از دیدگاه من در طی دو دهه ی گذشته تعداد افرادی که در این حوزه به موفقیت کامل دست یافته اند و برگی بر افتخارات هنر فرش ایران افزوده اند به ویژه در حوزه ی صادرات و بازارهای جهانی، بیش از تعداد انگشتان دو دست نیست.

۲- گام بعدی در بازسازی و احیای فرش های مناطق، سبک شناسی آن است.

هویت یافتن و تحولات تاریخی هر فرش در هر حوزه از جغرافیای فرش ایران مبتنی بر سنت ها، قواعد و همچنین الزاماتی است که مجموعه ی این سه، سبک ها، مکاتب و زیر شاخه های هر فرش را رقم می زنند. سبک های فرش ایران مشتمل بر کلاسیک یا شهری باف، روستایی و عشایری است، که برخی سبک نیمه کلاسیک که محصول هنرمندان اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ هجری است را نیز بر آن می افزایند. هر یک از سبک های فرش ایران دارای قواعد و ضوابطی هم در فرم شناسی و تیپ شناسی طرح ها و نقش مایه ها و هم قواعد و ضوابط ویژه ای در رنگ شناسی و رنگ پردازی دارند. توجه شما را به این نکته معطوف میدارم که این قواعد و ضوابط از همان تصورات عامیانه ی منحنی یا هندسی بودن خطوط، و یا تعداد رنگ ها و یا حتی رجشمار فرش نیست که عده ای ساده لوحانه به این عوامل پرداخته و نتیجه کار آنان، فرش هایی بی مایه و بی هویت بوده است که در مواردی کاملاً تخصصی و حرفه ای نظیر گبه، نتیجه ای جز یک تلاش کودکانه نبوده است و عجیب است که این گروه، خود از نتیجه شکست چنین پروژه هایی در تعجب و حیرت اند.

دانش روزآمد سازی هر یک از سبک های فرش ایران نیاز به تسلط کافی به شیوه ی ترکیب مواد اولیه، فنون بافت و فرم شناسی نقشه های هر فرش یا منطقه دارد که این نیز نیازمند یک دوره مطالعه و تجربه کافی هم در حوزه فرش شناسی و هم سلاقی و تمایلات مخاطبان خریدار است. جهت یاد آوری اهمیت سبک شناسی فرش ایران به ویژه در بخش بازسازی و احیا، اضافه می‌نمایم که این حوزه پس از دیرینه شناسی، دومین گام حوزه ی مطالعاتی و تحقیقی جهت کسب دانش فرش شناسی است.

۳- ضوابط و قواعد حاکم بر تحول و بازسازی نقشه ها و طرح های فرش که صد البته در ارتباط مستقیم با شیوه

ی پود کشتی، رجشمار، نوع و کیفیت و شیوه ی ادغام مواد اولیه است مبتنی بر معلومات ویژه ای می باشد که ضروری است پیش از اجرای هر گونه پروژه ای در استان لرستان، طراحان، نقاشان، رنگرزان و حتی سرمایه گذاران در قالب کارگاههای آموزشی از مقدمات و اصول آنها آگاهی یابند. به عنوان اشاره ای بر اهمیت این موضوع متذکر می شوم که در شرایط تولید و سلاقی فعلی بازارهای خارجی و حتی داخلی که گرایش به طرحهای ساده تر و خلوت مورد توجه است، به هیچ وجه منظور از ساده سازی، حذف، پاکسازی و تعدیل طرح و نقشمایه های فرش نیست که از سوی قریب به اتفاق تولید کنندگان و هنرمندان طراح به عنوان تنها راه کار به آن می پردازند. آموزه ها نشان میدهد که در بسیاری از موارد نیز بدون حذف و تعدیل نقشمایه ها و رنگ به ۶ طریق می توان نسبت به ساده نمودن نقشه ی هر فرش اقدام کرد. در واقع اشکال اصلی در کار اغلب حاضرین در تولید، عدم درک صحیح از مفهوم ساده سازی و خلوت شدن طرح و رنگ است. تغییر سنجیده ی

رجشمار یا ابعاد فرش، حذف خطوط جدا کننده و استفاده از قانون همجواری سطوح رنگ، توجه به قانون رنگ های هم نوع که اجرای دقیق آن به هیچ وجه به معنای هماهنگ سازی رنگ یا فام نیست بلکه در عین ایجاد تضادهای لازم در سطوح رنگ می توان به یک هم نشینی ملایم و سنجیده دست یافت که این خود مستلزم مهارت و دانش کافی هم



همایش فرش دستباف بروجرد

Boroujerd Hand-woven Carpet Festival

بروجرد / ۲۴ تیر ماه ۱۳۸۹
اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی
تالار زرین کوب

July 15 2010
Boroujerd

سازمان های حمایت کننده:

مرکز ملی فرش ایران
شرکت سهامی فرش ایران
سازمان بازرگانی استان لرستان
اداره بازرگانی شهرستان بروجرد
ستاد اجرایی دکتر بروجردی
سایت اطلاع رسانی فرش ایران
شرکت های تعاونی شهرستان بروجرد

ترین ابزار ایجاد تنوع و تدارک نقشه های جدید اما با تقویت و اصالت در فرش استان است. به یقین طرح گلدانی از طرح های کهن و اصیل فرش لرستان نیست، اما تغییر سنجیده در معماری این طرح متناسب با سبک فرش لرستان در کنار رنگ های سنجیده، می تواند مروج طرحی گردد که با رعایت اصالت های بافت فرش لرستان، هر فرش شناس و مخاطب حرفه ای را در نگاه اول معطوف به یک فرش موجه و مقبول هم در حوزه ی هنر و هم در حوزه ی تجارت فرش لرستان بنماید. بدیهی است که بکارگیری این ابزار در طرح های بومی و اصیل لرستان نتایجی موفق تر به همراه خواهد داشت.

در رنگ شناسی و هم در رنگرزی الیاف است، از مهمترین ابزارهای ساده سازی نقشه های فرش می باشد. از سوی دیگر تسلط به زیر ساخت های موجود در معماری نقشه های متداول در فرش ایران با توجه به سبک فرش، می تواند ما را به این نتیجه برساند که به عنوان مثال از میان طرح های لچک و ترنج، افشان یا سراسر، واگیره ای یا محرمات کدامیک در مسیر ساده سازی طرح و نقش در منطقه ای که پروژه ی ما در حال اجراست از قابلیت بهتری برخوردار می باشد و این در حالی است که هر یک از نقشه های اصلی فرش ایرن با تغییرات سنجیده در معماری آن می تواند به ده ها زیرشاخه دیگر تقسیم شود. مورد اخیر خود از مهم



و نقاشان، رنگرزان، عرضه کنندگان مواد اولیه از اهم پیشنهاد‌های اجرایی است که باید در اولویت قرار گیرد. ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، فراتر از پایان نامه ها و رساله های دانشگاهی برای دانش آموختگان رشته فرش نیز می تواند بیش از پیش راه گشا باشد.

اما پیشنهاد می نمایم در راستای طرحی بزرگ برای تحول در فرش بروچرد و شاید لرستان تاسیس حداقل یک هنرستان کاملاً تخصصی فرش و تقویت بنیه ی علمی آن با گرایش‌ات تخصصی لازم، اقدام جدی وزیربنایی صورت گیرد.

بدیهی است چنین تصمیمی نیز از جهات مختلف کارشناسی و مورد بررسی قرار گیرد. درخاتمه اضافه می نمایم که موفقیت در پروژه های تحول ساز اعم از صنایع سنگین و یا صنایع کوچک وحتى هنرهای بومی، قبل از اجرا نیازمند طرح های مطالعاتی است، و لو آنکه حوزه ی کاری ما به ظاهر ساده ترین و در عین حال مردمی ترین هنر تاریخی ما یعنی فرش دستباف باشد.

مطلب خود را با این جمله یکی از دوستانم به پایان می رسانم:

« طفل نازدن به از شش ماهه علیل »

۴- در طی دو دهه ی گذشته در بیش از شش استان شاهد پروژه های عجیبی بوده ام که مسئولین و سیاستگزاران فرش به دنبال پیروی نسنجیده از برخی از فرش های به اصطلاح مشهور و عموماً کلاسیک به دنبال عرضه ی خلق الساعه ی طرح هایی برای فرش استانهای خود بوده اند، تا شاید به زعم خود بتوانند تحولی عظیم در اقتصاد و هنر فرش آن منطقه به وجود آورند. در تمامی این موارد شکست زود هنگام و یا دیر هنگام از قبل نیز قابل پیش بینی بود. معتمد حتی یکی دو فرش که هم اینک در راس تجارت فرش ایران قرار دارد علیرغم موفقیت ظاهری در اقتصاد بومی مناطق خود، مروج فرش می هستند که هیچ ارتباطی با گذشته پر افتخار خود ندارند و آیندگان آنها وارثان فرشهایی بی هویت و منفصل از نسل های گذشته هستند.

یقین آن دارم که مسئولین فرش در بروچرد و استان لرستان به دنبال تجدید حیات فرش می هستند که حافظ فرش بومی و پرپیشینه آن است. به همین جهت جمع آوری طرح ها و نقشه های قدیمی در راستای مواردی که به آن اشاره داشتم آغاز راهی است که نیازمند پشتکار و حمیت مسئولین و سیاستگزاران فرش این منطقه است.

۵- برگزاری کارگاههای آموزشی تخصصی برای طراحان

ششمین جشنواره
دانش و دستبافانهای روستایی و عشایری ایران

تهران - مجموعه فرهنگی - تاریخی سعدآباد

۱۴-۲۴ تیر ماه ۱۳۹۰

The 6th Iranian Tribal and Rural
Hand-Knotted Carpet &
Textile Festival

Saad-abad Cultural & Historical Complex
Tehran - Iran
July 5-15 2011



Satellite TV **Persian Garden Program** in 2008 by investing heavily began its work.

The television program, due to the inability to finance production and distribution, after nearly eight months stopped working.

During the broadcast programs, found the opportunity that a television company to produce **Prof. Seyed Taher Sabahi**.

One of these programs was devoted to the introduction of "Ghereh" quarterly. Taher Sabahi meeting on how to prepare and magazine publishing pay.

These videos to your friends and readers of magazines we offer.

All right reserved CARPETOUR.COM and use it without written permission is prohibited.

برنامه تلویزیونی ماهواره ای باغ ایرانی در سال ۱۳۸۷ با سرمایه گذاری سنگین شخصی کار خود را آغاز کرد.

این برنامه تلویزیونی، به دلیل عدم توانایی در تامین هزینه های تولید و پخش، پس از نزدیک به هشت ماه کار خود را متوقف کرد.

در طول مدت پخش برنامه ها، این فرصت را یافتیم که برنامه های تلویزیونی ای را با شرکت استاد دکتر سید طاهر صباچی تولید کنیم.

یکی از این برنامه ها به معرفی فصلنامه گره اختصاص یافت. طاهر صباچی در این نشست تلویزیونی به چگونگی آماده سازی و انتشار این مجله پرداخت. این ویدئوی دیدنی را به شما دوستان و خوانندگان هفته نامه تقدیم می کنیم.

کلیه حقوق این ویدئو متعلق به سایت اطلاع رسانی فرش ایران (کارپتور) بوده و استفاده از آن بدون مجوز کتبی ممنوع است.



the curved pomegranate tree. The rider's costume, with felt cap held in place by a scarf, is typical of the early 18th century.

FIGURE 16
Collection of the Duke of Buccleugh and Queensberry
445 x 20 cm

Published by Pope, who attributed it to Kerman and -perhaps mistakenly- to the late 16th century, this rug has a harmonious scroll composition; the oval ones are larger and decorated with figural scenes. In one of these can be seen a falconer, his fist raised: the image of the hunter, no longer in movement, become a refined cameo.

FIGURE 17
New York,
Metropolitan Museum



Dated to the 18th century, this shows the latest version of the hunting rug, in which the design moves towards a geometrical layout that makes it hard to recognize the original inspiration of the design

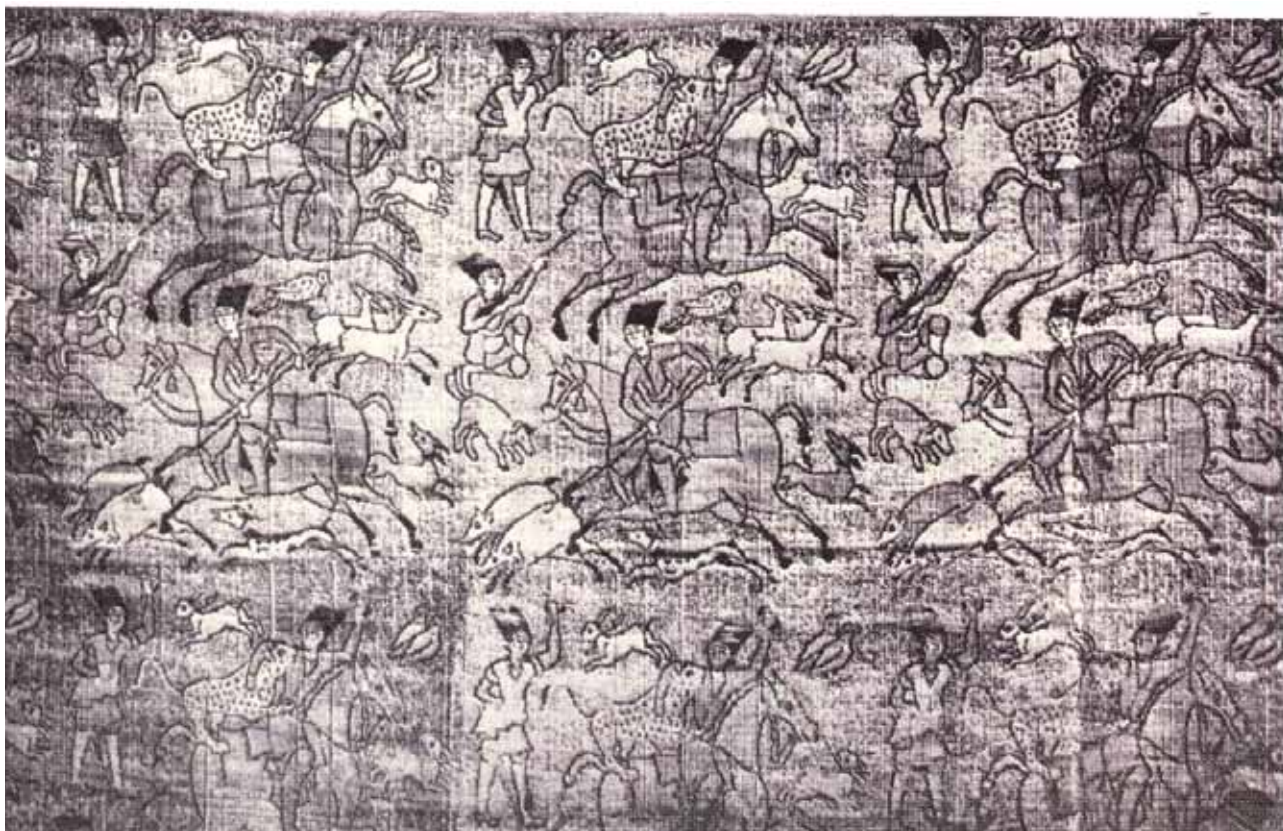
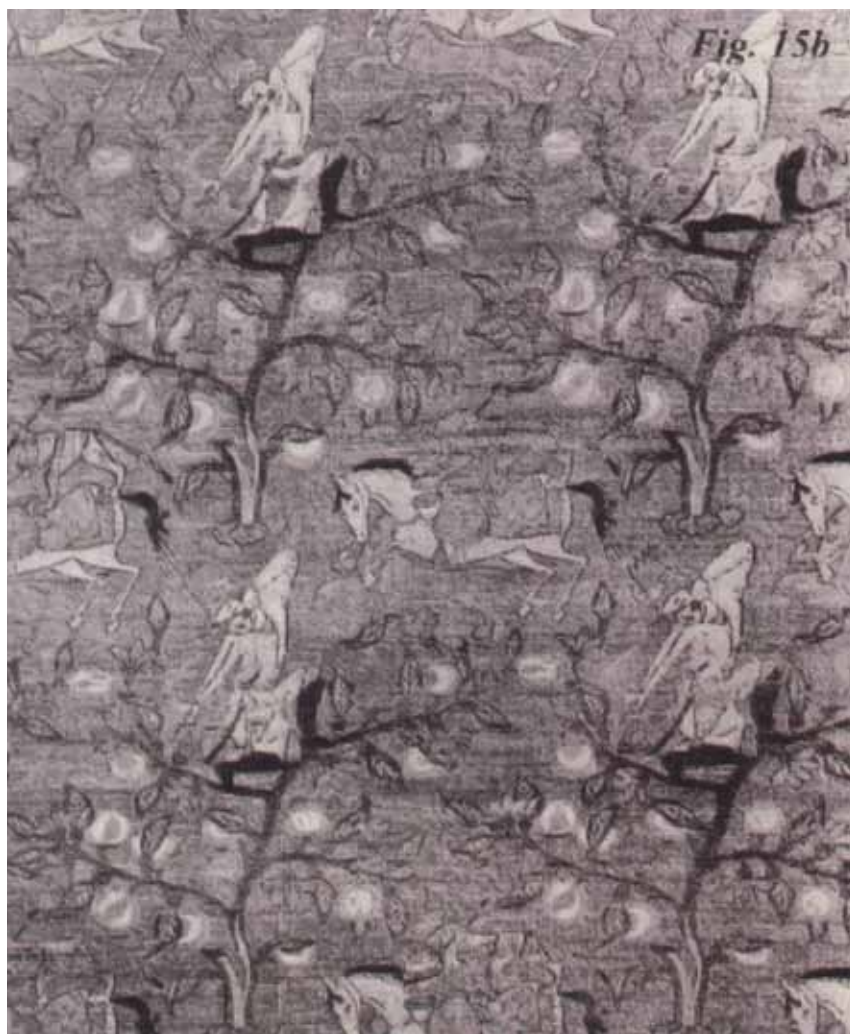


fig. No.14



cap, and the use of rifles reveal a later date, presumably the 18th century. The scene is stylised but rich and alternates two registers with differing decorative layouts, with one rider involved in chasing two boars, and another attacked by a spotted feline.

FIGURE No. 15

15 a) The Textile Museum, Washington 3.122

15 b) Parish. Watson collection, (cfr Pope) 12 cm

Two fragments in silk with the base in metal thread, showing the same pattern: an unseated rider clambering up a tree and turning his bow against the beast attacking his horse. The drama of the scene, stressed by the dynamic tension of the movements, is mitigated by the harmonious decorative composition dominated by



fig. No.12



fig. No.15 a

he makes to spear a fleeing gazelle has the grace typical of the finest schools of miniatures. The weave repeats the theme endlessly, linking one image with the next thanks to the foliage that is the last element in each decorative register.

les and rugs of classic era. The rider has a narrow turban culminating in a pointed taj, wears close-fitting clothes and rides an elegantly harnessed mount. Behind him appears an archer on foot and all around flee animals, amid decorative flowers shown with naturalistic detail. Similar fragments may be seen at the Boston Museum of Fine Arts and at the Musee des Tissus in Lyon.

FIGURE No. 13
Keir Collection
50x41 cm
Second half 16th century

An original variant of the hunting scene, here we see a rider mounted on a dromedary; the gesture he makes to spear a fleeing gazelle has the grace typical



fig. No.11

of the finest schools of miniatures. The weave repeats the theme endlessly, linking one image with the next thanks to the foliage that is the last element in each decorative register.

FIGURE No. 14
Musee des Tissus, Lyon

A fragment in silk and metal threads already published by Pope, in which the costume of the riders, who wear a sweptback felt

fig. No.10 c



fig. No.10 d



fig. No.10 b



fig. No.10 a



FIGURE No. 12
Cooper Hewitt Museum,
The Smithsonian Institution
36 x 20 cm
Second half 16th century

This fragment of velvet shows how the hunting theme, through the transition of rugs and tapestries, migrated to become a motif used in the decoration of fine fabrics. The fragment here presents only a single detail, presumably intended to be repeated along the entire length of the cloth and on several registers. With the almost stencil-like simplification required for velvet, it reveals a close resemblance to the motifs of the textiles and rugs of classic era. The rider has a

narrow turban culminating in a pointed taj, wears close-fitting clothes and rides an elegantly harnessed mount. Behind him appears an archer on foot and all around flee animals, amid decorative flowers shown with naturalistic detail. Similar fragments may be seen at the Boston Museum of Fine Arts and at the Musee des Tissus in Lyon.

FIGURE No. 13
Keir Collection
50x41 cm
Second half 16th century

An original variant of the hunting scene, here we see a rider mounted on a dromedary; the gesture



fig. No.9

This original round tapestry with a hole was probably intended to decorate the top of a marquee, the same function as that to be found in the lobate medallions to be found in many collections, with which the present work shares clear technical and decorative affinities. These were probably pendent, laid around to round off the decoration of the top of the marquee, in line with a layout to be seen in many miniatures. Made of silk, with metal thread providing highlights, this tapestry presents a royal hunt in close detail. Two elements are of particular interest: the riders at top and bottom, holding a cheetah on a leash behind the saddle. Hunts with cheetahs or yourse are described also by Chardin in 1666. As with falcons, the cheetahs were trained to chase and bring down small prey, and would participate in hunts chained together. On the right, we see a concealed hunter preparing a musket. The use of muskets spread in Iran around 1520, but the oldest miniature showing one dates from 1549. This enables us to date this round tapestry from Boston, bearing witness to the finery of aristocratic marquees, to the second half of the 16th century. It is interesting to note that the design of two of the little lobate poses renders unequivocal

cal an medallions - the one published by Pope as being in the Loewi collection and one from the Textile Museum - show an identical scene: a rider struggles with bare hands against a lion attacking the chest of his mount.

This identical scene figures in the Viennese hunting rug; the exactness of the details and poses renders unequivocal an attribution to the same workshop

FIGURE No. 11
Musée du Louvre
250 x 140 cm

The rider figuring within the central medallion of this kilim, formerly in the Doistau collection and now at the Louvre, is involved in a terrible struggle against a dragon. It too is attributed to Safavid Persia and repeats the composition of the so-called Sangzusko rugs, with a central lobate medallion surrounded by scrolls and pendants and with scenes of battles between wild beasts in the field and figural corner pieces. In this case, the scene shows Leili visiting Majnun, and repeats the composition already seen on the rug from the Musée des Arts Decoratifs in Paris.

FIGURE No.9

Formerly in the Moore collection

140x83 cm

Published by Pope as part of the collection of W.H. Moore, this fine silk tapestry was made using the fessure technique, and is one of the known examples of kilim of Safavid period. The scene shown is extremely lively, with a composition on several levels repeating the architecture typical of miniatures. On the basis of the costumes too, the tapestry can be dated to the middle of the 16th century, and includes four riders: one in the foreground, who stands out against the light background of a hill, is drawing his bow. Behind, a rider without headgear is chasing two antelopes. In the third register, we see a falconer and a final rider raising his sabre. All around are figures of attendants transporting or finishing the hunt. The tapestry is in fragments and one may suppose that the scene was originally richer, as confirmed by the figures along the right-hand border.

FIGURE 10

10a Boston Fine Arts Museum
Diameter 97 cm

10b Washington, The Textile Museum
45.7 x 51 cm

10c Washington, The Textile Museum
30.2 x 37.8 cm

10d from Pope, plate 1025, formerly Loewi collection
1 cm 63



fig. No.8

scene: three riders are laid out on three registers. The two at the ends tackle an animal with their sword and bow, while the one at the centre - which is unusual as being shown without headgear - captures an antelope with a long lasso.

Other fighting beasts decorate the field and also figure within the scrolls around the border, while in the central medallion in the pendants there are a series of musicians. The border with claws is original and shows the various elements linked by the coils of sinuous dragons.

FIGURE No.8

Munich, Residenz Schatzkammer
382 x 152 cm

Formerly in the Wittelsbach collection, and made of silk using tapestry technique, this drape is enriched with gold thread and must have been intended to adorn a wall. The decorative model of the field recalls that of the Sangzuso rugs:

at the centre, there is an ogival medallion, whose design is repeated in the corners and which is framed by scroll pendants.

On the free field, we see the riders hunting, galloping in pursuit of tigers and antelope. Despite the greater technical difficulties, the design is precise and reproduces the rich costume of the Safavid aristocracy, down to the detail of the turban wrapped



fig. No.7

around the taj and fitted with a plume of feathers. Near the riders, we can see the peri in the central medallion and convivial scenes in the four corners. Other peri, including one enthroned, appear in the scroll.

The figures have white faces without features,

which is an unusual feature in the figural decoration of this period and reserved - in some cases - to images of the Prophet. Presumably, the delineation of the features was too difficult to do using tapestry technique and was to have been finished either using a needle or ink.



12

Fig. No.6 / Paris, Musee des Arts Decoratifs

FIGURE N.6
Paris, Musée des Arts Decoratifs

Similar to the preceding one in its size and refined execution, this rug conforms to a decorative scheme that abandons the ordered bi-axial symmetry typical of the period. The hunting scene acquires a different narrative rhythm, organized on five registers that succeed each other from the bottom upwards, arranging the figures in accordance with a monoaxial symmetry. The central axis is left free, and here we find single and carefully-delineated figures.

The scenes depicted alternate hunting themes with others drawn from Persian epics. The first and third registers carry images of riders and animals, shown in scenes of great ferocity: in the first register, a cheetah has leaped on to a saddle and attacks the flank of a rider, while in the third a lion is raking the belly of a horse with its claws. Great care has been taken over details and the riders reveal the clothes and trappings typical of the 16th century.

The two intermediate registers instead show different scenes, linked to the hunting ones through the presence of animals. The second register presents Leili and Majnun, the unfortunate lovers in the Persian myth; Leili is shown within a palanquin in the act of reaching Majnun on his death bed, while all around the wild beasts of the desert - the same as those chased by hunters in the adjacent registers - prevent their meeting.

In the last register at the top, we instead see Shirin at her bath; her clothes are thrown over a tree, which curves elegantly in the corners; her horse at pasture links the composition with that of the lower register. King Khosrow, who according to the legend, surprises her at her bath, is dressed as a falconer.

As in the example in the Thyssen-Bornemisza collection, the border is marked by scrolls containing other figures; here the scrolls are in the form of plants. Some larger ones in the corners have a fan-shaped palmette and enclose a seated pert, wings outspread. Others are round and lobate in form, like the rosettes, and enclose the figure of a seated young man sniffing at a flower. The unusual design of this rug is such that it may be seen as the forebear of many figural rugs from 19th-century Persia, and in the layout of the



cartoon, suggests an eminent miniaturist. In the details and position of the figures, the scenes of the myth reflect conventional depictions closely, adopted in many Safavid miniatures. The design was copied with some success in the early 20th century, the work of Armenian weavers in Istanbul, including the celebrated Tissunian.

FIGURE N.7
Shigaraki, Miho Museum

Part of a Japanese collection belonging to the Shumei family, this rug is today on display in a private museum at Shigaraki, the Miho Museum, together with many other art treasures. In the past, it has been shown at the Metropolitan Museum of New York. Like the one in the Thyssen-Bornemisza collection, it belongs to the so-called Sangusko group: it presents the traditional decorative composition with a round medallion, pendants and corners. The figures of riders are limited within the four corners showing the same

fig. No.5





Top: fig. N.4

strongly contrasting colors and presents a scene of wild beasts fighting, while others adorn the scrolls around the border and medallion. The rug from the Thyssen-Bornemisza collection is one of the few with riders and hunters. The scene is a lively one: on the one side of the medallion, four riders with swords unsheathed face a lion, while others chase an antelope. In the corners, within a lobate scroll, four falconers on horseback stand out, their fists raised. Between them, the weaves have traced out a light-coloured island, almost as though in a cartoon, on which four other hunters pull on their bows and raise an axe. Other animals and flowers adorn the complex border, marked by lobate scrolls interwoven in a complex layout. Refined in manufacture, the small rug is nevertheless very different to the large ceremonial ones presumably intended for palaces or audience and reception halls; this rug is of luxurious production but intended for personal use, and often for export. Rugs of this quality are often called Masnad: sumptuous in feel, they were made for prestigious locations, where the head of the family would sit or where guests would be received. Others believe that the role of these rugs was a votive one, and they were made to be offered to mosques in like manner to ex-votos in churches.



style of the border design has led scholars to attribute the design of the rug to Aga Mirak, in the second quarter of the 16th century.

FIGURE N.3.

«Branicki» carpet

Fragments in Hamburg, Museum
fur Kunst und Gewerbe

760 x 350 cm

The two large silk carpets recall a third example, now lost: the so-called Branicki, which Pope published in 1939 as being formally in the Branicki collection but currently the property of the government and on display in Villa Wilamove, Warsaw. This rug displays only scenes of fighting wild beasts, and no mounted hunters. However, the large size, the refinement of the design and choice of colours makes it comparable to the two examples above. Lost in the war, it is perhaps in part - in the form of reconstructed border fragments from the Rothschild collection - at the museum in Hamburg.



fig. N.3

FIGURE N.4

Stockholm, Royal Palace

555 x 285 cm

The fourth large silk rug with decoration inspired by hunting has been with the Royal Swedish household since the 17th century, and is today preserved in the Royal Palace in Stockholm. Published by Pope, it recalls the above rugs in terms of size - large and long- for the soft and clear colors of the border and for the refinement of the floral design. It is different, however, in terms of the choice of color for the field, a rich cream that stands out against the polychrome of the design and sobriety of the figural design. In the field, decorated with elegant vines and light bands of clouds, there are small wild beasts and only eight hunters; in reality, the same two repeated symmetrically in each quarter of the rug.

Unlike in the previous examples, these are not mounted but on foot, shown fighting perhaps overcoming- a lion. Analogous scenes appear in the Milanese and Viennese rugs, but the hunter on foot in both rugs has some unusual features in his dress that make him stand out from the riders, making him a secondary figure. Here instead, the solitary hero is the clear protagonist of the design.

FIGURE N.5

Lugano, Thyssen-Bornemisza Collection

236 x 155 cm

The theme of hunting also animates a different group of rugs from Safavid Persia; these are smaller articles, often called Sanguszko from the name of the Polish prince who owned a famous example. The field is animated by brilliant,

ing scene, traced out on the field in a mirrored symmetry, is rich and complex: the figures of the hunters are richly dressed, and equally rich are the trappings of the horses which reflect - as in the Milanese rug - the style in vogue in Iran between the end of the reign of Shah Ismail and the first years of the reign of Shah Tahmasp (1520-40). The density of the knots (over 14,000 per 10 square centimeters) enables a perfect execution of the design, which repeats details and features typical of contemporary miniatures. The style, marked by an attention over detail, an expressive study of faces and the dynamic nature of the poses, recalls that of the school of miniatures founded by Shah Ismail, with such exponents as Bihzad, Sultan Mohammad and Aga Mirak.

FIGURE N.2.

Boston, Museum of Fine Arts
480 x 255 cm

Comparable with the large rug from Vienna, the Boston carpet is also entirely of silk. Weft, warp and knots are of extremely fine ivory-coloured silk, with details highlighted in silver thread applied using the *susandschird* technique. The rug was acquired from the market, thanks to a donation from the Rothschild family, which had bought it from Stefano Bardino, a noted Florentine dealer. The unwritten story suggests that in turn Bardino had bought it from a noble Florentine family, the Torregiani.

It is slightly smaller, but has the field decorated with hunting scenes - very similar in terms of the spacing of the figures and



line - to the Viennese rug. Further analogies may be made, for example, in the choice of colors, although altered by oxidation: the light-colored yellow and green field contrasts with the broad central red border. And more: the presence of a central medallion with undefined bor-

ders, the use of dragons with sinuous bodies and phoenixes, the decoration of the frame with a sequence of figures. But while in the case of the Viennese rug, there are winged genii, the Boston rug instead offers a procession of court figures seated on a bench. The lively and natural

The rug with hunting scenes at the Poldi Pezoli (cfr Ghahre 45, 46) is one of the most famous and harmonious ones, but other examples bear similar decorations. In particular, it is worth mentioning three large carpets, now in Vienna, Boston and Stockholm (see 1.3 below), which represent a uniform, very fine production in which the hunting scenes blend with the field decoration to create a sumptuous design. Other scenes, of lesser importance and extent, figure in some of the so-called Sangzuso and in some fine flatweaves, alongside the fights between wild beasts that are their main motif. These motifs appear in textiles too: some of the most well-known fragments of Safavid figural silks show figures of hunters or falconers.

FIGURE N.1

Vienna, Museum für Angewandte Kunst
687 x 331 cm

The rug in the Viennese museum, which arrived at the museum from the collections of the imperial household, is one of three known examples of carpets with hunting scenes made entirely of silk: the weft and warp are of yellow and apricot-colored silk, and the fleece of polychrome silk, highlighted with details in silver thread, using a technique known as *susandschird*.

Large in size, the Viennese rug -like the similar one in the Fine arts Museum of Boston- is without the scrolls enabling us to know for sure the date of execution and who commissioned it.

However, the particularly refined execution, detailed design and large size suggest it might have been made for an important client, in some way linked to the royal household.

This hypothesis is confirmed by the choice of designs: a hunting scene on the main field, and hence a supremely aristocratic activity, winged divinities in the border and depictions of battles between dragon and phoenix, the symbolic image of imperial power, in the corners. The hunting scene, traced out on the field in a mirrored symmetry, is rich and complex: the figures of the hunters are richly dressed, and equally rich are the trappings of the horses which reflect - as in the Milanese rug - the style in vogue in Iran between the end of the reign of Shah Ismail and the first years of the reign of Shah Tahmasp

(1520-40). The density of the knots (over 14,000 per 10 square centimeters) enables a perfect execution of the design, which repeats details and features typical of contemporary miniatures. The style, marked by an attention over detail, an expressive study of faces and the dynamic nature of the poses, recalls that of the school of miniatures founded by Shah Ismail, with such exponents as Bihzad, Sultan Mohammad and Aga Mirak.

Fig. 1



This hypothesis is confirmed by the choice of designs: a hunting scene on the main field, and hence a supremely aristocratic activity, winged divinities in the border and depictions of battles between dragon and phoenix, the symbolic image of imperial power, in the corners. The hunt-



ROYAL HUNTS

A comparison with the medallion rug in the *Poldi Pezzoli* Museum

Taher Sabahi Ph.D

In view of the symbolic value associated with the idea of regality and the importance of the role of miniaturists in the development of a Safavid style in art, the depiction of royal hunts was one of the most widespread between the 16th and 17th century, without ever abandoning the dynamic, detailed style typical of a miniature; the hunt motif became one of the most popular motifs, used for rugs and textiles, but also for book bindings, ceramics

for the table and architecture, and for metal works. The image of mounted hunters in court costume rivaled others characterizing the decorative arts of the Safavid period: the paradisiacal ones of winged pen or those inspired by Persian epics - especially those from the story of Khosrau and Shirin, or Leili and Majnun - and those with a garden theme, with figures seated amidst flowering trees, intent on drinking or making music





Major works

His other works are:

Tappeti d'Oriente. Arte e tradizione (1986, 440 pages) and its French translation Splendeur du tapis d'Orient (1987);

Vaghireh covering samplers (1987, 110 pages);

ABC del tappeto orientale (1989, 220 pages);

Kilim. Tappeti piani del Caucaso (1990, 224 pages) and its German translation as Orienttepiche (1992);

Sumakh. Tappeti a trama avvolta (1992, 144 pages);

Tulu. Tappeti anatolici a pelo lungo (1997, pages 98);

Qashqai. Tappeti tribali persiani (1989, 240 pages); the bilingual book (Italian and English)

Cavaliere d'Oriente and Horses Saddler covers (1991, pages 220);

Samarkanda. Carpets from the Silk Road (1995, pages 138);

China. Antique Rugs from the Celestial Empire (1998, pages 144); the bilingual volume (English and German)

Tibet. Rugs from the Roof of the World and Teppiche vom Dach der Welt (2001, pages 72);

Shahsavani jajim (1998, pages 144) and its English translation;

Cinque secoli di tessitura a Kirman (2004, 172 pages)

and its English translation Five Centuries of Carpet Weaving in Kerman (to be published soon).

The magazine

Besides the above mentioned volumes, **Dr. Taher Sabahi** has been publishing the magazine **Ghereh**. International Carpet and Textile Review since 1993. This is a quarterly review published in separate English and Italian editions.

For more information: www.ghereh.org



The Art of Oriental rug KILIM. Tessuti Plans East

Taher Sabahi

Electa 2007/2009

26x34x9 cm elegant box complete with two volumes, one thousand one page!

1650 color illustrations

Price: Euro 280.00 350.00

The art of Oriental rug kilim. Flat woven Oriental ONE STUDY, COMPLETE, THOROUGHLY DOCUMENTED AND EXPLAINED.

The book is structured in three sections. The first and 'an introduction to the origins, history and developments of the ancient art of rug. Following a detailed survey of geographical areas, bringing together the pieces' major products in Persia, Turkey, Caucasus, Turkmenistan, Afghanistan, the Balkans, the Mediterranean Basin, China and India with examples from museums and collections around the world. The Appendix, finally, focuses on weaving techniques, materials and colors, the origin and meaning of the decorative repertoire, and problems of conservation and restoration.

REVIEWS:

The Future IlSole24Ore La Stampa IlSole24Ore Northwest kilim. Fabrics plans d'orient With this volume dedicated to kilims, Taher Sabahi - now among the best known experts and collectors of rugs in the world - with its already extensive bibliography



Taher Sabahi

A quick look at the life, his scientific activities and research

Taher Sabahi is one of the most well-known authors in the rug world. Born in Tehran, he moved to Italy (Turin) in 1961 to continue his education. After his graduation, he worked and studied oriental rugs and textiles.

Cultural activities

In 1972 he became the legal expert on carpets for the Italian Ministry of Justice. After a few years he was invited to sit in the national commission evaluating candidates. In 1983 he founded AIMTO, the Italian association gathering carpet merchants. The following year he also founded CATO, the club of “carpets lovers”. At the same time, he started teaching a course on the culture of carpets structured in 24 hours and taking place in the major Italian cities. Afterwards, Dr. Sabahi became a member of ICOC, the International Conference On Carpets.

In 2004 he was invited as honorary member in the commission of experts on carpets in Germany and Austria. He has taken part to many international conferences as speaker, as well as moderator.

Commercial activity

Since 1961 Dr. Sabahi has been financing his cultural activities selling carpets and textiles in his art gallery based in the centre of Turin, the ancient capital of Italy.

His site is www.taher-sabahi.com

Last publication

He has written extensively on rugs and textiles. His last volume, just published by Electa Mondadori, is *L'arte del tappeto d'Oriente* (2007, 640 pages and 1170 photos, 340 drawings, 9 maps), which will soon be translated in other languages.



Editor speak

With hope and grace to the Lord Almighty, the beautiful friendly of beauty, service and dreams of success, although small and limited to the proud land of art and culture of Iran, *Persian Garden* of the first weekly magazine in June 2011 puts scene there.

Decided to publish the magazine, the following need Iranian knotted carpets and handicrafts and to introduce themselves to the world wide it as a cultural necessity.

Although the expected demands was accompanied to the right stakeholders, but unfortunately not heard. Until many professions and related fields, or were outdated or in live vanishing. Meanwhile carpet only partly able to rely on your love manufacturers, designers, art directors, weavers and traders and exporters to keep alive and stay away from vanishing, and you're still able to live a simple bread and native large family carpet Handmade Iran, especially weavers provide.

Conditions and prospects outside, unfortunately, suggests a darker future for the arts and other disciplines such as handicrafts are.

Decision-making and decision-making space, as the most important strategic element, not the impossible promises, the unlikely and superficial slogans and abnormal behavior management not filled current trustee, but no organization and other devices based on such a look and approach, True could never step on the path bless and take good and blessing.

Discussions, meetings, task forces, commissions, committees and professional ... Large numbers are established. Theories have failed before, burnt, and unreal past history, perma-

nently, as instructions and letters section is seen everywhere. And strategies out of challenges and problems, one after another without regard to the fate of previous decisions, in the form of meetings and Views, revenues are negligible devours this section to decisions being inconclusive as overnight experience frequent and often ridiculous, in front of our eyes to take a bitter demonstration. Following are all the ways. Way out of this cycle of depreciation and accidentally filled the same moves and decisions decentralized and fragmented, and more complex problems than before insoluble are.

Individualism based look to the individuals and small and large sets, conventional and conventional, and has become a serious problem. The problem of intolerance comments, thoughts and ideas of others! And worse than that, and believe there intolerance and the presence of others!

The Persian Garden review has decided to create a relaxed atmosphere and artistic and scientific principles based, intelligent individuals and sets (and not just sympathetic) to design and reasonable exposure to the challenges brought together. Relying on huge power and cooperation along current expertise in this way direct and practical applications discussed and achieved encouraging everyone to focus on existing problems and possible solutions, for its part, can decide reasonable and non-summary measures for decision makers and interest in culture, art and the fate of stakeholders in this area provides.

With this goal, we have an editorial board from among those familiar names from reason and practice have come together to the main axis of motion possible with all the difficulties and expected to form. Eye suffer after the Almighty God to accompany you and all other culture and art lovers. We are sure it not only affects our common fate.

With great thanks

Ali Reza Ghaderi

A handwritten signature in green ink, corresponding to the name Ali Reza Ghaderi.

In the Name of Allah

Persian Garden

Hand-Knotted Carpets, Textiles
and Handicrafts Weekly

Scientific, Cultural, Artistic, Economic & Professional

Publishing: Electronic publishing / PDF file
format / 36 pages / A4 / full color

Circulation and the main circulation:

14,000 subscription versions
(Members of carpetour.net)
and can download for all interested

Managing director and editor:

Alireza Ghaderi
+(9891) 230 50003
ghaderi@carpetour.net

Editorial board members

(in order of priority of age):
Professor Seyed Taher Sabahi Ph.D
Master Seyed Razi Miri
Ali Reza Ghaderi
Master Sayed Abdul Majid Sharif-Zadeh
Master Touraj Zhuleh
Seyed Ali Mojabi Ph.D

Contacts:

+(9891) 230 50003 (A.R. Ghaderi)
persiangarden@carpetour.net

Executive director of commercial affairs:

Hanif Ghaderi
+(9891) 21 83 28 75
hanif@carpetour.net

Internal Director:

Faezeh Ghaderi
+(9891) 22 75 51 70
faeze@carpetour.net

Close-up View



Cover:

Dr. Taher Sabahi

Researcher, Collector and the most
Well-Known Author in the Rug World



In this issue:

Editorial	3
A quick look at the life and activities of professor Seyed Taher Sabahi Ph.D	4
Hunting Rugs / By: Taher Sabahi	6

1



affiliated to:
carpetour.com

Persian Garden

Hand-Knotted Carpets, Textiles and Handicrafts Weekly
Issue: 1st., May 22, 2011 46 Pages

Follow Your Favorites:

- Professional & Technical Articles
- Particular News & Events
- Exhibitions & Conferences News
- ... And Topics of Your Interest



Close-up View:

Dr. Taher Sabahi

Researcher, Collector and the most
Well-Known Author in the Rug World

